Scientific Journal Of New Islamic Civilization Fundamental Studies
Vol.9, No.2 (Serial 18), Autumn & Winter 2026-27
DOI: 10.22070/nic.2026.21718.1499
(Research Article)

Women's Endowments and Their Capacities for Realizing Modern Islamic Civilization: A Study Based on Historical Experiences from Early Islam to the Ottoman and Safavid Eras

Hamed Jokar *

Received on: 24/11/2025
Accepted on: 17/05/2026

Abstract

Purpose: This research investigates the socio-cultural role of women's endowments (awqāf) in the scientific awakening of Islamic civilization from the advent of Islam through the end of the Ottoman and Safavid periods. The study addresses several fundamental questions: What constitutes women's endowment? What social strata did female endowers belong to? Why did their endowments increase over time? What is the jurisprudential basis for their legitimacy? And what were the impacts of these endowments on scientific advancement, with what implications for Modern Islamic Civilization?
The significance of this research lies in its effort to counter the prevailing cultural distortion in Muslim women's historiography, shaped by two factors: marginalization by literati who omitted women's contributions, and Orientalist portrayals of women as mere members of imagined "harems." By relying on endowment deeds (waqfiyyas) as primary, less-distorted sources, this study presents a more realistic picture of Muslim women's agency, economic independence, and civilizational contributions.
Methodology: This research employs a historical-analytical approach using inductive and descriptive-analytical methods. First, through induction, all available historical reports, endowment deeds, biographical dictionaries, and archival documents from the early Islamic period to the end of the Ottoman (1924CE) and Safavid (1736CE) dynasties were systematically collected from archives in Istanbul and Isfahan, as well as primary Arabic and Persian sources. Second, using descriptive-analytical methods, the collected data were categorized by endowment type (mosques, universities, schools, libraries, hospitals, caravanserais, public utilities), social background of endowers (royal

* Assistant Professor of Department of Islamic Thought, Imam Khomeini International University, Qazvin, IRAN. (Corresponding Author).
jokar@isr.ikiu.ac.ir 0000-0002-0310-6711

Scientific Journal Of New Islamic Civilization Fundamental Studies
Vol.9, No.2 (Serial 18), Autumn & Winter 2026-27
DOI: 10.22070/nic.2026.21718.1499
(Research Article)

women, concubines, common wealthy women), geographical distribution (from Andalusia to Anatolia), and chronology. Finally, patterns, motivations, and impacts were analyzed to identify the role of women's endowments in scientific and civilizational development.

Findings: The findings reveal that although women's endowments were initially modest—often consisting of a single house, jewelry, or a small plot of land—they expanded significantly during the Abbasid, Ayyubid, Seljuk, Ottoman, and Safavid periods, reflecting women's growing socio-economic status. Female endowers included royal wives and mothers of caliphs and sultans (Zubaydah, Shaghab, Khurram Sultan, Mahpeyker, Gawharshād, Maryam Begum), prominent concubines (Banafshah), and common wealthy women. The dominant motivation was religious: seeking otherworldly reward through "perpetual charity" (ṣadaqa jāriya), supported by Quranic verses and prophetic hadiths addressing men and women equally.

The impacts on scientific awakening are undeniable: the Qarawiyyīn Mosque-University in Fes by Fāṭima al-Fihrī (oldest continuously operating university), the Gawharshād Mosque and school in Mashhad, numerous schools across Damascus, Baghdad, Cairo, Isfahan, and Istanbul, teaching hospitals, public libraries, and endowments providing salaries, housing, and stipends for scholars. Students flocked from across the Islamic world for free education. Endowments for the Two Holy Sanctuaries and pilgrimage sites reflected socio-economic competition. Women's endowments further contributed to urban development, substantially shaping Isfahan and Istanbul through caravanserais, public baths, bridges, and water systems.

Conclusion: The institution of waqf reveals a profound relationship between social responsibility and civilizational development. Women's historical marginalization stems not from Islamic teachings but from local customs and power dynamics. Waqf served as an efficient mechanism enabling women's participation in scientific, educational, health, and public service domains—contributing to economic empowerment, educational expansion, health infrastructure, heritage preservation, urban development, social justice, participatory governance, and cultural identity representation. These eight strategic functions offer a practical model for Modern Islamic Civilization. Reviving this tradition through modern endowment systems can advance justice-oriented development, knowledge-based progress, and inclusive participation. This research emphasizes that judgments about women's position in Islamic civilization that disregard historical data on women's endowments would be incomplete and biased. The legacy of women's endowments corrects distorted perceptions and provides a blueprint for empowering women as key agents of civilizational development.

Keywords: Women's Endowments, Islamic Civilization, Scientific Awakening, Modern Islamic Civilization, Socio-Economic Empowerment

دوفصلنامه علمی مطالعات بنیادین تمدن نوین اسلامی
دوره ۹، شماره ۲ (پیاپی ۱۸)،پاییز و زمستان ۱۴۰۵، صص ۲۵۵- ۲۹۴
DOI: 10.22070/nic.2026.21718.1499
مقاله پژوهشی

موقوفات زنان و ظرفیت‌های آن برای تحقق تمدن نوین اسلامی مطالعه‌ای براساسِ تجارب تاریخی از صدر اسلام تا عصر عثمانی و صفوی

حامد جوکار *

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۹/۰۳
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷

چکیده

نهاد وقف نقشی بی‌بدیل در شکوفایی جوامع اسلامی ایفا کرده است. اما علی‌رغم گستردگی موقوفات زنان و تأثیر شگرف آن بر تمدن اسلامی، این حوزه چندان مورد توجه نبوده و حضور تاریخی زنان در تمدن اسلامی با تحریف فرهنگیِ ناشی از حاشیه‌رانی ادیبان و خیال‌پردازی‌های مستشرقان مواجه شده است. بررسی موقوفات زنان می‌تواند تصویری واقع‌گرایانه از جایگاه اجتماعی‌اقتصادی زنان مسلمان ارائه دهد. پژوهش حاضر با هدف واکاوی نقش فرهنگی‌اجتماعی موقوفات زنان در خیزش علمی تمدن اسلامی و استخراج دلالت‌های آن برای تمدن نوین اسلامی، به دنبال پاسخ به این پرسش است که موقوفات زنان چه انواعی داشته و چگونه می‌توان از این تجارب برای تحقق اهداف تمدن نوین اسلامی بهره گرفت؟ این پژوهش با رویکردی تاریخی‌تحلیلی و با بهره‌گیری از روش‌های استقرایی و توصیفی‌تحلیلی انجام شده است. ابتدا همهٔ گزارش‌های مرتبط با موقوفات زنان از صدر اسلام تا پایان دورهٔ مدنظر گردآوری و سپس، داده‌ها براساسِ نوع موقوفات، طبقهٔ اجتماعی واقفان و پراکندگی جغرافیایی دسته‌بندی و با روش تحلیلی، انگیزه‌ها و تأثیرات آن‌ها بر توسعهٔ علمی و تمدنی شناسایی شد. یافته‌ها نشان می‌دهد که موقوفات زنان گرچه در آغاز محدود بود، اما به‌تدریج توسعهٔ چشمگیری یافت و زنان واقف از اقشار مختلفی برخاسته‌اند. انگیزهٔ غالب، کسب ثواب اخروی ازطریقِ «صدقهٔ جاریه» بوده است. تأثیرات موقوفات زنان بر خیزش علمی و نیز توسعهٔ شهری در تمدن اسلامی انکارناپذیر است. بر این اساس، آنچه به‌عنوان کاستی‌های موجود در وضعیت زنان در برخی جوامع اسلامی تلقی می‌شود، نه بازتابی از متن دین، بلکه برایندی از تعامل عرف‌های محلی، رخدادهای تاریخی و مناسبات قدرت است.

کلمات کلیدی: وقف زنان، تمدن اسلامی، خیزش علمی، تمدن نوین اسلامی، توانمندسازی اقتصادی

* استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره)، قزوین، ایران. (نویسندهٔ مسئول).
jokar@isr.ikiu.ac.ir 0000-0002-0310-6711

CC BY

بیان مسئله

نهاد وقف به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین دستاوردهای تمدن اسلامی، نقشی اساسی در شکل‌گیری و تداوم جریان‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی جوامع مسلمان ایفا کرده است. این سازوکار حقوقی‌اقتصادی که بر پایهٔ «حبس اصل و جریان منفعت» استوار است، زمینه‌ساز شکل‌گیری نهادهایی چون مدارس، کتابخانه‌ها، بیمارستان‌های آموزشی، کاروانسراها و مراکز خدماتی شد و بدون آن، تداوم حیات علمی و فرهنگی تمدن اسلامی در گذر قرون، به‌دشواری میسر بود. از سوی دیگر، تاریخ تمدن اسلامی همواره شاهد حضور فعال و تأثیرگذار زنان در عرصه‌های گوناگون بوده است، اما این حضور به‌دلیل دو عامل اساسی یعنی حاشیه‌رانی برخی ادیبان و نیز تقلیل جایگاه زنان به «حرمسرا»های برساخته از خیال‌پردازی‌های مستشرقان، با تحریف فرهنگیِ جدی مواجه شده است (ارناووط، ۲۰۱۴، ص۱۲). در این میان، یکی از مهم‌ترین زمینه‌هایی که می‌تواند تصویری واقع‌گرایانه از جایگاه و نقش اجتماعی‌اقتصادی زنان مسلمان ارائه دهد، بررسی موقوفات زنان است. وقف‌نامه‌های برجای‌مانده، به‌مثابهٔ اسنادی دست‌اول و کمترتحریف‌شده، اطلاعات ارزشمندی دربارهٔ استقلال مالی زنان، مالکیت آنان بر اموال و دارایی‌ها، گسترهٔ مصارف موقوفات و انگیزه‌های خیرخواهانه‌شان در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهند.

بااین‌حال، علی‌رغم گستردگی و تنوع موقوفات زنان در طول تاریخ اسلام و تأثیر شگرف آن بر خیزش علمی، نظام‌های آموزشی و زیرساخت‌های فرهنگی، این حوزه از پژوهش‌های تاریخی، به‌ویژه در ادبیات فارسی، به‌نسبت مغفول مانده است. پرسش‌های اساسی در این زمینه عبارت‌اند از: وقف زنان چیست و اقشار گوناگون زنان واقف در تمدن اسلامی چه کسانی هستند؟ چه عواملی موجب افزایش کمی و کیفی موقوفات زنان در دوره‌های مختلف تاریخی شده است؟ مبنای قانونی و شرعی مشروعیت وقف زنان کدام است و آیا این مشروعیت در طول تاریخ دچار دگرگونی شده است؟ مهم‌تر از همه، تأثیرات و دامنه‌های وقف زنان بر تمدن اسلامی در چه سطوحی بوده و از این تجارب تاریخی چه درسی برای تمدن نوین اسلامی می‌توان گرفت؟

واکاوی نقش فرهنگی‌اجتماعی موقوفات زنان در خیزش علمی تمدن اسلامی، نه‌تنها به بازنمایی واقع‌گرایانه‌تری از جایگاه زنان در جوامع اسلامی می‌انجامد، بلکه می‌تواند الگویی کارآمد برای طراحی نظام‌های مشارکتی و توسعه‌محور در تمدن نوین اسلامی ارائه دهد. براساسِ یافته‌های پژوهش‌های پیشین، اگرچه موقوفات زنان حدود ۲۰درصد از کل موقوفات را تشکیل می‌دهد (مهریزی، ۱۳۸۹، صص۴۴-۴۰) و غالب زنان واقف به طبقات بالای اجتماعی تعلق داشته‌اند، اما این مشارکت، با در نظر گرفتن محدودیت‌های اقتصادی‌اجتماعیِ آن عصر، نشان از فرهنگ اسلامیِ پذیرندهٔ حضور زنان در عرصه‌های

عمومی دارد؛ فرهنگی که ریشه در خطاب قرآنیِ یکسان به زنان و مردان و پرهیز از هرگونه تبعیض جنسیتی در امور خیریه دارد. از سوی دیگر، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که عرف‌ها و عادت‌های محلی، نه احکام شریعت، عامل اصلی نوسان جایگاه زنان در جوامع اسلامی بوده است (ارناووط، ۲۰۱۴، صص۲۲-۲۰)؛ ازاین‌رو، بازخوانی کارکردهای موقوفات زنان می‌تواند ضمن تصحیح برداشت‌های ناقص از دین، بسترهای نظری و عملی برای احیای سرمایه‌های تاریخی فراموش‌شده را فراهم آورد.

این پژوهش با تکیه بر رویکردی فرهنگی‌تاریخی، ضمن پرهیز از دوگانه‌انگاریِ رایج در مطالعات زنانِ جوامع اسلامی، تلاش می‌کند تا با روش استقرایی و توصیفی‌تحلیلی، همهٔ گزارش‌های موجود در مورد موقوفات زنان از صدر اسلام تا پایان عصر صفوی و عثمانی را گردآوری، دسته‌بندی و تحلیل کند و درنهایت، کارکردهای مزبور را در افق تمدن نوین اسلامی بازخوانی نماید.

۱. پیشینهٔ پژوهش

پژوهش‌های پیشین در حوزهٔ موقوفات زنان عمدتاً بر جنبه‌های محدودی متمرکز بوده‌اند. قائدان (۱۴۰۴) در مقالهٔ «نقش زنان ایرانی در بازسازی عتبات عالیات در دورهٔ صفوی و قاجار (۱۳٤۳- ۹۰۷ ه.ق)» نقش زنان ایرانی را در بازسازی عتبات عالیات در دوره‌های صفوی و قاجار بررسی کرده و نشان داده که این مشارکت عمدتاً به زنان درباری محدود بوده است. حسنی و بختیاری (۱۴۰۱) در مقالهٔ «تحلیل محتوای اسناد موقوفات زنان قزوین از ابتدای دورهٔ قاجاریه تا پایان عهد ناصری (۱۳۱۳- ۱۲۱۰ه.ق)» با تحلیل ۲۱ سند وقفی از قزوین، به کارکرد مذهبی موقوفات زنان و تعلق آنان به طبقات مرفه جامعه پرداخته‌اند. شوندی و همکاران (۱۳۹۹) در مقالهٔ «نقش و جایگاه زنان درباری در نظام وقف امپراتوری عثمانی از دورهٔ سلیمان قانونی تا عبدالحمید دوم» نقش چهار تن از زنان برجستهٔ دربار عثمانی را در نظام وقف امپراتوری عثمانی واکاوی کرده‌اند. احمدی (۱۳۹۷) در مقالهٔ «تأملاتی بر نقش زنان در گسترش موقوفات عصر صفوی» با تکیه بر اسناد وقفی اصفهان در دورهٔ صفوی، به استقلال مالی و حقوقی زنان در وقف اموالشان اشاره کرده است. یوکسل و مقدم (۱۳۹۱) در مقالهٔ «نقش زنان در نظام وقف عثمانی» کارکرد دوگانهٔ نهاد وقف را در رابطه با زنان در جامعهٔ عثمانی تبیین کرده‌اند و مهریزی (۱۳۸۹) در مقالهٔ «درآمدی بر موقوفات زنان» با ارائهٔ گزارشی از ۱۳۷ زن واقف در ایران و جهان عرب، به پراکندگی زمانی و جغرافیایی موقوفات زنان پرداخته است.

تمامی این پژوهش‌ها اگرچه از جهات مختلف ارزشمندند، اما عمدتاً به دوره‌ها و مناطق خاصی محدود شده‌اند و هیچ‌یک نگاه جامعی به سراسر تاریخ تمدن اسلامی از صدر اسلام تا پایان عصر عثمانی و صفوی نداشته‌اند. همچنین، بیشتر آن‌ها صرفاً به توصیف و تحلیل داده‌های تاریخی بسنده کرده و به

استخراج دلالت‌های راهبردی برای آیندهٔ تمدن اسلامی نپرداخته‌اند. ازاین‌رو، مقالهٔ حاضر با اتخاذ رویکردی جامع‌نگر و با هدف الگوسازی برای تمدن نوین اسلامی، درصدد پر کردن این خلأ پژوهشی است.

۲. بررسی معنای وقف

در ادامه و پیش از واکاوی بعد فرهنگی و اجتماعی وقف زنان در تاریخ تمدن اسلامی، به بررسی معنای لغوی و اصطلاحی وقف در نگاه مذاهب اسلامی پرداخته می‌شود.

۲-۱. معنای لغوی

وقف در لغت به معنای حبس است. گفته می‌شود: او زمینی را به فقرا وقف کرد؛ یعنی آن را محبوس نمود (ابن‌منظور، ١٤١٤، ج۹، ص۳۵۹)؛ همچنین در تعریف اموال وقف شده آمده: مال موقوفه (حُبُس) مالی است که صاحبش آن را وقف کرده تا نه ارث برده شود، نه فروخته شود و نه هبه گردد، بلکه اصل آن باقی بماند و ثمره‌اش در سبیل‌های خیر مصرف شود (ابن‌منظور، ١٤١٤، ج٦، ص٤٥).

۲-۲. معنای اصطلاحی

در مورد معنای اصطلاحی وقف، تعاریف متعددی از سوی فقها مطرح شده است. در اینجا و به‌عنوان نمونه به معنای مشهور وقف میان فقهای مذاهب مختلف اسلامی اشاره می‌شود.

از نگاه شیعه: وقف از نظر فقهای شیعه «وقف عقدی است که ثمرهٔ آن حبس کردن اصل و رها کردن منفعت است» (محقق حلی، ۱۴۳۲، ج۴، ص۴۳؛ علامه حلی، ۱۳۷۸، ج۳، ص۲۸۹). به تعبیر دیگر تثبیت اصل مال یا دارایی و اجازهٔ استفاده از منافع آن است. مراد از تثبیت، عدم امکان انتقال آن به هریک از طرق معامله چون خرید و فروش و هبه و ارث، به‌منظور بهره‌برداری همیشگی در جهت خاص است.

به نظر حنابله: وقف حبس مال و رساندن منفعت آن به دیگران است (ابن‌قدامة، ۱۹۸۳، ج٦، ص۱۸۵).

طبق مذهب شافعی: توقیف مالی که می‌توان از آن استفاده کرد درحالی‌که اصل آن باقی است، با قطع تصرف در مالکیت آن به یک مصرف مجاز موجود (شربینی‌خطیب، ۱۹۸۵، ج۲، ص۳۷۸).

از نظر مالکیه: در اختیار قرار دادن منفعت یک مال، هرچند اجرت یا محصول آن باشد، برای مدتی که شخص وقف‌کننده آن را مطلوب می‌داند (دردیر، بی‌تا، ص۱۶۵).

به گفتهٔ ابوحنیفه مال باید به‌عنوان ملک واقف نگهداری شود و سود آن به‌عنوان یک عمل خیرخواهانه به خیریه داده شود (غنیمی، ۱۹٦۱، ج۲، ص۱۳۰).

با بررسی تعاریف وقف از نظر فقها می‌توان بهترین تعریف را این‌گونه بیان کرد: «وقف عبارت است از حبس مالی که انتفاع از آن با بقاء عین مال ممکن باشد و تصرف در اصل مال ممنوع و مقطوع گردد و منافع آن به قصد قربت در کار نیک هزینه شود» (مناوی، ۱٤۱۸، ص۱۷).

۲-۳. وقف در قرآن و احادیث

در قرآن کریم آیه‌ای که صریحاً بر وقف و احکام آن دلالت کند، وجود ندارد. ولی مفسران از کلیت برخی مفاهیم که در قرآن ذکر شده است، چنین دریافته‌اند که وقف مورد تأیید قرآن است. ازجمله آیهٔ: «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (آل‌عمران/۹۲). در تفسیر این آیه، وقف یکی از مصادیق انفاق در راه خدا معرفی شده است (قرائتی، ۱۳۸۸، ج۱، ص٥٦۲). در احادیث نیز این موضوع مطرح شده است. از پیامبراکرم(ص) نقل شده که ایشان فرمود: «هنگامی که فرزند آدم بمیرد، عمل او جز از سه چیز قطع می‌شود: صدقهٔ جاریه، علمی که از آن سود می‌برد، یا فرزند صالحی که برای او دعا کند» (ترمذی، ۱۹۷۵، ج۳، ص٦٥۲؛ ابن‌ابی‌جمهور، ۱٤۰۳ق، ج۱، ص۹۷). برخی از صاحب‌نظران، عبارت صدقهٔ جاریه را مترادف مفهوم وقف تفسیر نموده‌اند (مفید، بی‌تا، ص۶۵۲؛ ابن‌ادریس، ۱۴۱۰، ج۳، ص۱٥۹). حتی در صدر اسلام، در اخبار و احادیث و عرف جامعه و وقف‌نامه‌های به‌جامانده از امیرالمومنین(ع) و سایر صحابه، به جای واژهٔ وقف از واژهٔ صدقه استفاده می‌شده است و برای تفکیک این دو از یکدیگر از واژهٔ جاریه برای وقف استفاده کرده‌اند (دانش‌پور و ریاحی‌سامانی، ۱۳۸۹، ص۱٥۳). بسیاری از فقها نیز دو مفهوم صدقهٔ جاریه و وقف را به یک معنا تفسیر می‌نمایند.

۳. پیشینهٔ وقف در جهان اسلام

ابن‌حزم می‌گوید: «اعراب در دوران جاهلیت خود رسم حبس را نمی‌شناختند» (ابن‌حزم، بی‌تا، ج۹، ص۱۷۷). این گذاره نشان می‌دهد وقف، یکی از ویژگی‌های شریعت اسلامی است. مسلمانان اولیه موقوفات خود را براساسِ نیازهای زمان خود انجام می‌دادند. اما طبق منابع تاریخی، وقف علمی پس از اماکن مذهبی بیشترین توجه مسلمانان را به خود جلب کرده است. بر این اساس وقف شامل مساجد، سپس مدارس و مکان‌های علمی می‌شد و پس از آن وقف خیریه در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی و بهداشتی مطرح شد. دلیل این امر نیز آن بود که علم و دانش پس از توحید در گفتمان قرآنی و سنت شریف نبوی از اهمیت فراوانی برخوردار است.

وقف نقش مؤثری در جهش علمی و پیشرفت معرفتی در جنبه‌های مختلف زندگی در طول تاریخ اسلام داشته است. ابن‌خلدون در مقدمهٔ معروف خود در مورد توسعهٔ علمی و تمدنی که در شهرهای اسلامی شاهد آن بوده است، صحبت می‌کند. از نظر او به‌دلیل بودجه‌های وقفی زمین‌های کشاورزی، ساختمان‌ها، خانه‌ها و مغازه‌ها بود که طلاب علوم و دانشمندان از شرق و غرب کشورهای اسلامی برای کسب دانش به‌صورت رایگان به شهرهای اسلامی هجوم می‌آوردند و بدین ترتیب دانش در تمام شاخه‌ها و تخصص‌ها رشد کرد و شکوفا شد (ابن‌خلدون، بی‌تا، ج۱، ص۸۸).

براساسِ پژوهش‌های تاریخی صورت‌گرفته، وقف در قرن هفتم هجری رونق فراوان گرفت تا جایی که تعداد مؤسسات وقفی به ٤١٠ مؤسسهٔ علمی رسید؛ در این مؤسسات دانشمندانی رشد یافتند که آثار و نوشته‌های آن‌ها تا به امروز باقی مانده است (قحطانی و عثمان، ۲۰۲۰، ص٣٥٤).

٤. تحلیل تطبیقی تأثیر متغیرهای فرهنگی بر جایگاه زنان در دوران اموی و عباسی

از بعد اجتماعی هرکس با دیدی موشکافانه و واقع‌گرایانه به وضعیت زنان در بسیاری از جوامع اسلامی نگاه کند، متوجه وضعیت متفاوت زنان در دوران نبوت و دیگر مراحل مختلف تاریخ تمدن اسلامی خواهد شد. اما به‌واقع دلایل به وجود آمدن این وضعیت و اساس این تفاوت رویکرد در دورهٔ نبوی و پس از ایشان چیست؟

این پژوهش می‌کوشد تا با نگاهی تحلیلی از زاویهٔ اجتماعی‌فرهنگی به موضوع «اوقاف زنان» بپردازد و بخش‌هایی از این واقعیت را بررسی کند؛ به‌ویژه از آن جهت که این مسئله در اصل با نظام دینی در ارتباط است. درنتیجه، یک پرسش مهم پیش روی علاقه‌مندان پدیدار می‌شود: آیا اندیشهٔ دینی یا خود دین، نقشی در این شرایط داشته است؟

بررسی تاریخی اوقاف زنان نشان می‌دهد که نمی‌توان مسئولیت وضعیت ناخوشایند زنان در اغلب جوامع اسلامی را بر دوش دین نهاد؛ چراکه دین، نیروی محرکهٔ اصلی وجدان امت اسلامی و عامل واقعی گسترش پدیدهٔ وقف به‌طور کلی و «اوقاف زنان» به‌طور خاص در تمامی جوامع اسلامی، با هدف کسب پاداش و جاودانه کردن یاد و نام فرد پس از مرگ، بوده و هست. دین اسلام در این زمینه میان زن و مرد تفاوتی قائل نمی‌شود. بنابراین، چه‌بسا عرف‌ها یا عادت‌هایی فراتر از احکام شرعی در رفتار مسلمانان با زنان اثرگذار بوده‌اند؛ که این امر به وخامت وضعیت زنان در بسیاری از جوامع اسلامی منجر شده است. این مسئله ما را به سوی بُعد فرهنگی موضوع رهنمون می‌سازد.

از بُعد فرهنگی، اگر دولت اموی را که از سال ٤٠ تا ١٣٢ هجری قمری (٦٦٢ تا ٧٥٠ میلادی) (قبانی،

۲۰۰٦، ص٥٦) دوام آورد، با دولت عباسی که از سال ۱۳۲ تا ٦٥٦ هجری قمری (۷۵۰ تا ۱۲۵۸ میلادی) (إبراهیم حسن، ۱۹٦۳، ص۳۲۷) ادامه داشت، مقایسه کنیم، درمی‌یابیم که متغیرهای اجتماعی‌فرهنگی بسیاری در دوران عباسیان پدیدار و منجر به تغییرات اساسی در واقعیت جوامع اسلامی تحت کنترل آن‌ها شدند، ازجمله؛

- دولت اموی در مقایسه با دولت عباسی دوام زیادی نداشت، بنابراین آثار اختلاط فرهنگ‌های مختلف جوامع تحت سلطهٔ آن، در جامعهٔ اسلامی آن روزگار به‌وضوح مشهود نبود.
- ظهور کنیزانی از کشورهای مختلف در کاخ‌های عباسیان، منجر به ورود فرهنگ‌های متعدد به فرهنگ عرب از رهگذر اختلاط آداب و رسوم و سنت‌هایی شد که کنیزان از کشورهای خود آورده بودند (آقامحمدی و دیگران، ۱۴۰۱، ص۱۲۲).
- خلفای عباسی تمایل داشتند با کنیزان ازدواج کنند و پسران خود را برای مقام خلافت نامزد کنند، برخلاف رسم بنی‌امیه که کنیززادگان را از خلافت منع می‌کردند (آقامحمدی و دیگران، ۱۴۰۱، ص۱۲۵).
- در رأس هرم حکومت عباسیان سهم زنان در موقوفات، که توسط مادران و همسران خلفا ازجمله «اروی حمیریة القیروانی»، همسر خلیفهٔ عباسی منصور و مادر مهدی عباسی، نمایندگی می‌شدند، به‌شکل درخور توجهی افزایش یافت. وی به‌دلیل وقف املاک خود برای امور عام‌المنفعه به نام (الرحبه) مشهور بود (جاحظ، ۱۹۸۷، ص۲۱۳).
- زنان در دولت عباسی، مستقیماً و نه از پشت حجاب، به سیاست و حکومت می‌پرداختند؛ مانند «الخیزران»، همسر مهدی. او کنیزی بود که منصور برای پسرش مهدی، خریده بود و از جایگاه والایی نزد او برخوردار بود تا اینکه بانوی اول کاخ او شد (ارناووط، ۲۰۱۴، ص۲۰). نمونهٔ دیگر «شغب»، همسر متوکل بود که مورخان او را حاکم واقعی کشور در زمان سلطنت پسرش، مقتدربالله می‌دانند (سیوطی، ۱۹۸۶، ص۴۳۱).

آنچه از واکاوی پیوند میان دین، فرهنگ و جایگاه اقتصادی‌سیاسی زنان در جوامع اسلامی برمی‌آید، گویای آن است که ناخوشایندی‌های موجود در موقعیت زنان، ریشه در ذات احکام شرعی ندارد؛ چراکه شریعت، بستری برابر برای کنش‌های خیرخواهانه زن و مرد فراهم ساخته و خود پشتیبان اصلی نهاد وقف به‌مثابهٔ میراثی ماندگار بوده است. بااین‌حال، آنچه در گذر تاریخ سیمای واقعی این جایگاه را دگرگون ساخت، بیش از هرچیز به تحولات عرفی و بسترهای اجتماعی‌سیاسی بازمی‌گردد؛ به‌گونه‌ای که در مقایسهٔ تطبیقی دو دولت اموی و عباسی، به‌روشنی نمایان می‌شود که عمر کوتاه‌تر خلافت اموی و یکپارچگی نسبی فرهنگی آن دوران، مجال چندانی برای دگرگونی‌های بنیادین در نقش‌های زنانه فراهم

نیاورد، اما در عصر عباسی، ورود موج‌های مهاجرتی کنیزان با خاستگاه‌های فرهنگی گوناگون و تغییر الگوهای همسرگزینی خلفا، نه‌تنها به اختلاط آیین‌ها و رسوم انجامید، بلکه زمینه‌ساز حضور پررنگ‌تر زنان در عرصه‌هایی همچون مدیریت موقوفات و حتی تصمیم‌سازی‌های کلان حکومتی شد. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که بانوانی نزدیک به دستگاه خلافت، گاه فراتر از نقش‌های تشریفاتی، به کنشگرانی تأثیرگذار در سیاست و اقتصاد بدل شدند؛ فرایندی که با سنت‌های محافظه‌کارانهٔ دورهٔ اموی فاصله‌ای آشکار داشت. بنابراین، آنچه به‌عنوان کاستی‌های موجود در وضعیت زنان در برخی جوامع اسلامی تلقی می‌شود، نه بازتابی از متن دین، بلکه برایندی از تعامل پویای عرف‌های محلی، رخدادهای تاریخی و مناسبات قدرت در هر عصر است که در سایهٔ تفسیرهای بشری از شریعت، سیری چندلایه و گاه متناقض را پیموده است.

۵. انگیزه‌های اجتماعی وقف زنان

جامعه‌شناسان عوامل اجتماعی را مجموعه‌ای از شرایط می‌دانند که با شکل‌گیری گروه‌های اجتماعی و نظام‌های آن مرتبط بوده و در تربیت و شکل‌گیری شخصیت فرد نقش عمده‌ای دارند و تأثیر آشکاری بر رفتار فرد و جامعه می‌گذارند. اگر این تعریف را بر جامعهٔ اسلامی در آغاز شکل‌گیری آن منطبق کنیم، درمی‌یابیم که تعالیم دینی نازل‌شده بر پیامبر(ص) ازطریقِ خطاب قرآنی، شرایط شکل‌دهنده به وضعیت اجتماعی و نظام‌های آن را در تمامی ابعاد دینی و دنیوی تشکیل می‌داد؛ که این امر دو نتیجه در پی داشت:

نخست: تربیت فرد، چه زن و چه مرد، و هدایت رفتارش به‌سمت آنچه از او خواسته شده است؛ چنان‌که در سورهٔ نور آمده: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ...؛ (نور/ ۵۵)

دوم: اثرگذاری بر جامعه برای پذیرش و درک رفتار فرد، خواه زن و خواه مرد.

سیر تاریخی وقف به‌صورت کلی، و وقف زنان به‌شکل خاص، گویای دو نکته است: نخست اینکه این سیر، بازتاب تأثیر خطاب قرآنی در واقعیت جامعه است؛ به‌ویژه در آغاز تشکیل دولت اسلامی در مدینه و در زمان پیامبر(ص). در این دوران، عمل صالح با ایمان پیوند خورده بود و خطاب الهی هم به مردان و هم به زنان، بدون تبعیض، صورت می‌گرفت. چنانکه که در سورهٔ نحل آمده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يعْمَلُونَ؛ (نحل/ ۹۷). این خطاب موجب شد زنان نیز مانند مردان احساس مسئولیت فردی در تکلیف، برخورداری از حقوق انسانی، حق مشارکت اجتماعی و انجام اصلاحات داشته باشند و در همهٔ امور خیریه مانند مردان سهیم شوند.

دوم اینکه این تجربه رابطهٔ بین مالکیت زن بر ثروت و دلالت‌های اجتماعی آن را نشان می‌دهد و بر وجود فرهنگی دلالت دارد که برای زن جایگاهی درخور و شایان توجه قائل است و فضای ظهور و بروز اجتماعی به او می‌دهد.

بنابراین، می‌توان گفت این تجربهٔ تاریخی، چه در وقف به‌طور کلی و چه در وقف زنان به‌طور خاص، به واقعیت اجتماعی بسیاری از جوامع اسلامی در دوره‌های تاریخی مختلف گسترش یافته است. این تجربه نقش مهم دین در حیات و حرکت اجتماعی را نشان می‌دهد؛ به‌ویژه با توجه به اینکه جامعهٔ اسلامی از آغاز تأسیس نهادهای خود، نظام وقف را پایه‌گذاری کرد. درحالی‌که هیچ ملت یا تمدن دیگری پیش از آن، چنین سابقه و تجربه‌ای نداشت. در این خصوص از شافعی نقل شده است که گفته: «اهل جاهلیت وقف نمی‌کردند» و نیز: «وقف از ویژگی‌های خاص این امت است، و من ندیدم که هیچ فرد جاهلی ملکی را برای فرزندان یا نیازمندان یا در راه خدا وقف کرده باشد» (ابن‌خوجه، ۱۹۹٦، ص۵).

تجربهٔ تاریخی نیز نشان می‌دهد که میزان مشارکت زنان در وقف، بسته به فرهنگ جوامع مختلف، متفاوت بوده است؛ اما عامل مشترک در میان همه این تفاوت‌ها، انگیزهٔ دینی است. زیرا اسلام، زن را انسانی دارای سه ویژگی مهم انسانی می‌داند: اختیار، مسئولیت‌پذیری و رشد فکری (باستانی و حیدرزاده، ۱۳۹۲، ص۱۷). این ویژگی‌ها زن را نیز مانند مرد، شایستهٔ تعالی و موفقیت می‌سازد. چنان‌که در سورهٔ احزاب آمده است: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا (احزاب/ ۳۵).

نمونه‌های تاریخی متعددی از این مشارکت وجود دارد؛ ازجمله همسر پیامبر(ص)، عایشه که خانه‌ای خرید و در سند خرید آن چنین نوشت: «من خانه‌ای خریدم و آن را وقف کردم؛ بخشی از آن محل سکونت فلان شخص و فرزندانش باشد، و بخشی دیگر برای فلان شخص، و بعد از آن به خاندان ابوبکر بازگردد.» همچنین حفصه یکی دیگر از همسران پیامبر(ص)، جواهراتی را به قیمت بیست هزار درهم خریداری کرد و آن را برای استفاده زنان خاندان خطاب وقف نمود (حمیدان، ۲۰۰٦، ص۱۰). تاریخ‌نگاران همچنین به افزایش مشارکت زنان در اوقاف در جوامع اسلامی اشاره کرده‌اند؛ اگرچه تفاوت‌هایی در میزان این مشارکت از محیطی به محیط دیگر وجود داشته است، که بیشتر به عوامل فرهنگی نسبت داده شده‌اند، نه عوامل دینی (ارناووط، ۲۰۱٤، ص۱۲). در منابع تاریخی نمونه‌های دیگری از این موضوع ذکر شده است. مانند «نوربانو»، همسر بزرگ سلطان سلیم دوم با اصالت یهودی، که پس از مسلمان شدن، یک مجموعه خیریه در اسکودار (بخش آسیایی استانبول امروز) ساخت که شامل مسجد، مدرسهٔ کودکان، بیمارستان،

حمام و سایر ساختمان‌ها بود و آن را وقف کرد تا پاداش اخروی کسب کند (غازی، ۲۰۱٤، ص۱۲۳). این موارد تنها بخشی از نمونه‌های متعددی است که در ادامه به‌تفصیل ذکر خواهند شد.

براساسِ نمونه‌هایی که در منابع آمده، می‌توان ادعا کرد آنچه به‌وضوح موجب افزایش مشارکت زنان در وقف شده، آزادی‌ای است که دین اسلام به زن در تصرف اموالش داده است؛ البته این آزادی در فرهنگ جوامع مسلمان پذیرفته شده است، به‌گونه‌ای که زن را شایستهٔ ادارهٔ امور مالی خویش و پذیرش مسئولیت‌های مربوطه دانسته‌اند.

٦. موقوفات زنان و اهمیت آن در شکوفایی تمدن اسلامی

بررسی موضوع وقف زنان در تاریخ اسلام نشان‌دهندهٔ محدود بودن این نهاد در اوایل دورهٔ اسلامی است. به‌گونه‌ای که موقوفات زنان از یک خانه، مجموعه‌ای از جواهرات یا یک قطعه زمین کوچک تجاوز نمی‌کرد. این مسئله امری طبیعی است، زیرا اسلام در مراحل اولیهٔ خود بود و چنین مفاهیمی هنوز در جامعه ریشه ندوانده بود. بااین‌حال، این موقوفات در دوران دولت‌های اول و دوم عباسی و امپراتوری عثمانی و دوران صفویه به اوج خود رسید. واقفان زن نیز یا مادران و همسران خلفا و پادشاهان بودند، یا کنیزان – که تعدادشان زیاد بود – یا مردم عادی که صاحب ثروت بودند.

مورخان تأکید دارند که دولت دوم عباسی شاهد حضور پررنگ زنان در عرصهٔ اوقاف در دو سطح بود: یا به‌عنوان همسر یکی از خلفا و سپس مادر بسیاری از آن‌ها؛ یا به‌عنوان همسر و مادر یکی از خلفا و مدیر امور دولتی. این امر به‌دلیل گسترش مرزها، افزایش ثروت و اختلاط نژادها و قومیت‌ها بود که با ورود کنیزان ترک، ارمنی و رومی به قلب ساختار خلافت نمایان شد.

در بخش نخست یعنی همسر و مادر خلفا، مشهورترین زنان واقف عبارت‌اند از؛ زبیده، همسر هارون‌الرشید و مادر امین، واقف برکه‌ها و چاه‌ها، که مشهورترین آن‌ها چاه زبیده است. علاوه بر رباطی که او برای ارائهٔ خدمات رایگان به مسافران وقف کرد و درآمد حاصل از آنچه تا امروز وجود دارد. این درآمد طبق تخمین مورخان، سالانه به ۱,٦۲۱,۳۲۰ ریال سعودی می‌رسد که از آن برای نگهداری و بهره‌برداری از چشمهٔ زبیده و ملحقات آن استفاده می‌شود. زنان دیگری چون «صفیه خاتون»، «زمرد خاتون»، «ارجوان ارمنی» و بسیاری دیگر که ورودشان به مسئلهٔ وقف زنان مؤید رابطهٔ سه‌جانبه بین ثروت، مقام و وقف است (فاسی، ۱٤۰٦، ج۱، صص۱۲۱-۱۲۲).

در بخش دوم یعنی همسر و مادر خلفا و مدیر امور حکومتی می‌توان به «شغب»، همسر متوکل و مادر المقتدر بالله که در ۱۳سالگی خلافت را به دست گرفت، اشاره کرد. او حاکم واقعی کشور بود و امور

دولت را اداره و مقامات و وزرا را برکنار می‌کرد. قدرت سیاسی و حوزهٔ نفوذ وی به حدی بود که مورخان، دولت عباسی را در دوران طولانی سلطنت پسرش «دولت زنان» نامیدند. این نفوذ و قدرت به حدی رسید که شغب به ثمل قهرمانه دستور داد هر هفته یک روز شکایاتی را که به او ارجاع می‌شد، در حضور قضات و فقها بررسی کند (ابن‌عماد، ۱۹۸٦، ج۲، ص۲٤۷). او همچنین مشتاق بود با ایجاد موقوفات فراوان برای ارائهٔ خدمات به نیازمندان، جایگاه خود را در جامعهٔ محلی و خارجی تقویت کند. ازجمله معروف‌ترین موقوفات او «بیمارستان بانوان» در بغداد است (عکرمه، ۲۰۰۸، ص٤۳۲).

سهم موقوفات زنان در دوره‌های مختلف تاریخی به دولت‌هایی که از دل دولت عباسیان بیرون آمدند، مانند دولت‌های سلجوقی، زنگی و ایوبی، گسترش یافت. مدارس شامیه الجوانیه، شامیه البرانیه و عذراویه که توسط شاهزاده خانم‌های خانواده ایوبی تأسیس شدند و برخی از آن‌ها هنوز در دمشق و حلب وجود دارند، شواهدی از رقابت این شاهزاده خانم‌ها با شاهزادگان برای جاودانه کردن یاد و نام آن‌هاست (نعیمی‌دمشقی، بی‌تا، ج۱، صص۲۷۷ـ۳۰۲).

بسیاری از زنان مسلمان به اهمیت وقف در تمدن اسلامی و نقش مثبت آن در جامعه پی برده‌اند و آن را وسیله‌ای برای خیرات و کارهای نیکوی خود انتخاب کرده‌اند. خانم ایمان الحمیدان، نویسندهٔ کتاب «زنان و اوقاف» می‌گوید رابطهٔ بین وقف و زنان رابطه‌ای متقابل است. یعنی هریک به دیگری خدمت می‌کنند، زیرا وقف یک وسیلهٔ اقتصادی و یک راه توسعهٔ مؤثر است که در طول تاریخ نقش عمده‌ای در توانمندسازی زنان در تمام زمینه‌های زندگی داشته است (حمیدان، ۲۰۰٦، ص۱۰).

۷. موقوفات زنان در تمدن اسلامی

چنان‌که گذشت وقف در تمدن اسلامی سابقه‌ای درخشان و طولانی دارد. زنان مسلمان نیز از این قاعده مستثنی نبودند. اگرچه در برخی از دوره‌های تاریخی با مشکلات و چالش‌هایی روبه‌رو بودند، که اغلب به‌دلیل ماهیت محیط اجتماعی و عرفی پیرامون جایگاه زنان و نقش آن‌ها در جامعه‌شان بود. اما سهم زنان در دوره‌های تاریخی و در تمام زمینه‌های وقف چشم‌گیر بوده؛ اگرچه شرح حال‌ها در این زمینه کمیاب است. ابن‌جبیر در این باره می‌گوید: «در میان زنان شریف و تأثیرگذار کسانی هستند که دستور ساخت مسجد، رباط یا مدرسه را می‌دهند و مبالغ هنگفتی را برای آن‌ها خرج می‌کنند و از پول خود موقوفاتی اختصاص می‌دهند» (ابن‌جبیر، بی‌تا، ج۱، ص۲۲۳). براساسِ منابع تاریخی، در دوران عثمانی ۲۳۰۹ مورد وقف به‌عنوان موقوفات زنان در بایگانی ادارهٔ کل اوقاف در استانبول یافت می‌شود (غازی، ۲۰۱٤، ص۱۲۱).

۷-۱. وقف مساجد و دانشگاه‌ها

موقوفات مساجد و دانشگاه‌ها به‌دلیل نقش پیشگامانهٔ آن‌ها در جهش علمی در تاریخ مسلمانان، گسترده‌ترین موقوفات در جوامع اسلامی بودند. این موارد اولین بناهایی بودند که به پیروی از دستورات پیامبر(ص) ساخته شدند. اولین اقدام پیامبر(ص) پس از ورود به مدینه، ساخت مسجد بود. ایشان مسجد را نهادی دینی، علمی، فرهنگی و تمدنی می‌دانستند و همین امر باعث شد مسلمانان، چه زن و چه مرد، در طول اعصار در وقف و تأسیس آن رقابت کنند. این تلاش و رقابت تا حدی پیشرفت که وقف از نظر تاریخی با ساخت مساجد مرتبط شد (بالمقدم، ۱۹۹۳، ص۴۲).

در ادامه به‌صورت خاص به مساجدی اشاره می‌شود که توسط زنان در تاریخ اسلام وقف شده‌اند:

مسجد قرویین: «فاطمه فهریه» ملقب به ام‌البنین (بالمقدم، ۱۹۹۳، ص۸۲) در سال ۲۴۵ هجری(۸۵۹ م)، مسجد و دانشگاه قرویین را در شهر فاس (مراکش کنونی) در دوران حکومت دولت ادریسیان بنا نهاد و آن را وقف کرد تا کار نیکش جاودانه بماند (تازی، ۱۹۷۲، ج۱، ص۱۱۳). این مسجد که بعدها به دانشگاه تبدیل شد، یکی از قدیمی‌ترین موقوفات زنان در غرب اسلامی محسوب می‌شود و اولین دانشگاه جهان به شمار می‌رود. دانشمندانی چون، ابن‌طفیل، ابن‌باجه، ابن‌رشد، ابن‌عربی و ابن‌خلدون که کتاب‌ها و نظریات علمی و فلسفی آن‌ها سهم مهمی در جنبش علمی اروپا داشت، در این مدرسه پرورش یافته‌اند. ژرژ دلفین، خاورشناس فرانسوی، در کتاب خود «دربارهٔ فاس و دانشگاه آن» دربارهٔ آن می‌گوید: «فاس خانهٔ علم است و قرویین اولین مدرسه جهان» (حسین، بی‌تا، ص۱۵).

جامع اندلس: این مسجد توسط مریم بنت عبدالله الفهری، خواهر فاطمه بنت عبدالله الفهری، وقف شده است و روبه‌روی مسجد القرویین قرار دارد و پس از آنکه به مقصد هیئت‌های علمی از سراسر جهان تبدیل شد، به‌عنوان ضمیمه‌ای از دانشگاه آن در نظر گرفته می‌شود (بالمقدم، ۱۹۹۳، ص۸۲).

مسجد گوهرشاد (۷۸۰-۸۶۱ق): این مسجد در دورهٔ تیموری به همت گوهرشاد خانم، دختر امیر غیاث الدین ترخان، همسر شاهرخ بن تیمور گورکانی و در دوران پسرش بایسنقر میرزا، در ضلع جنوبی حرم رضوی و در سال ۸۲۱ ق/۷۹۷ش ساخته شد. وی یکی از زنان نامدار عصر تیموری و مورد احترام امیر گورکانی بوده و در امور مملکتی مورد مشورت قرار می‌گرفته است.

مسجد کبود تبریز: در قرن نهم توسط خاتون معروف به بیگم، همسر جهانشاه قراقویونلو وقف شد. اموال و دارایی وی شامل ۷۹ قطعه زمین در اطراف تبریز، ۲۳ روستا، ده قنات، سی کاروانسرا و بازاری در ری بود (مشکور، ۱۹۳۷، صص۶۵۷-۶۷۱).

مسجد السیده: مسجدی در الجزایر در دورهٔ عثمانی بود که توسط یک زن نیکوکار ساخته شد. این مسجد بزرگ‌ترین مسجد الجزایر در قرن ۱۰ هجری (۱٦میلادی) بوده و پس از تسلط فرانسویان توسط آنان تخریب شده است (حسین، بی‌تا، ص۱٦).

مسجد، رباط و زاویه لاله فاطمه نسومر (فاطمه سید احمد): نام این بنا توسط مورخ الجزایری، ابوالقاسم سعدالله (متوفی ۲۰۱۳) در دایرةالمعارف تاریخ فرهنگی الجزایر، ذکر شده است. این بنا توسط زنی زاهد و مبارز در قرن هجدهم میلادی تأسیس شد و دارای رباط و زاویه‌ای برای حفظ قرآن کریم بود (سعدالله، ۱۹۹۸، ج۵، صص۱۳و۱٤).

مسجد القرافه: این مسجد توسط خانم تغرید، همسر المعز و مادر العزیز بالله ساخته شده است. این بنا پس از مسجد الازهر، دومین مسجد در دوران فاطمیان محسوب می‌شود (حسین، بی‌تا، ص۱۷).

مسجد غزال: نام بانویی که آن را ساخته بر آن نهاده شده است. گفته می‌شود وی در کاخ خلیفه سمت منشی‌گری داشته است (حسین، بی‌تا، ص۱۸).

مسجد الخفافین در بغداد: توسط «زمرد خاتون»، همسر خلیفه عباسی المستضی در بغداد ساخته شد (نعیمی‌دمشقی، بی‌تا، ج۱، ص٤۲۳).

مسجد کوسم ماه‌پیکر سلطان: همسر سلطان احمد اول و مادر سلطان مراد چهارم و سلطان ابراهیم. او دختر کشیشی بود که به‌عنوان هدیه به سلطان احمد اول تقدیم شد و سلطان با او ازدواج کرد. پس از تشرف به دین اسلام، او مسجدی در استانبول تأسیس کرد که به «مسجد با ظروف چینی» معروف شد. این مسجد یک شاهکار هنری محسوب می‌شود. او کاروانسرای بزرگی را نیز برای حمایت مالی از این موقوفه اختصاص داد که به «خان والده» معروف است (نعیمی‌دمشقی، بی‌تا، ج۱، ص۱۲۵).

مساجد بانو «علم الآمریه»، همسر خلیفه الآمر بأحکام الله. ازجمله مساجد دیگر وی مسجد «رقیه» و مسجد «نارنج» که به‌دلیل شکوفه‌های نارنجش که هرگز نمی‌ریزد، به این نام نامیده شده است. وی برای تأسیس این مساجد هزینه فراوانی پرداخته است (عفاف، ۲۰۱۰، ص۱۱).

مسجد باب دکاله: این مسجد توسط «مسعوده الوزکیدیه»، مادر خلیفه «احمد المنصور الذهبی» ساخته شده و کتابخانهٔ بزرگی دارد. او همچنین موقوفاتی را برای جلسات و کرسی‌های علمی اختصاص داده است (بالمقدم، ۱۹۹۳، ص۸۲).

دو نکته از این مرور سریع بر برجسته‌ترین وقف‌های زنان قابل برداشت است: نخست اینکه برجسته‌ترین واقفان از طبقهٔ حاکم و شاهزادگان بودند. البته این بدان معنا نیست که زنان طبقهٔ عادی وقفی

نداشتند، بلکه این موضوع به مورخانی مربوط می‌شود که در نقل دستاوردهای حاکمان، شاهزادگان و زنانشان بسیار دقیق بوده‌اند، درحالی‌که نوعاً از ذکر آنچه زنان عادی انجام می‌دادند، چشم‌پوشی کرده‌اند. دوم، وقف‌های زنان در شهرها متمرکز بوده که امری کاملاً طبیعی است، زیرا هدف واقفان معمولاً این است که منافع موقوفات به تعداد بیشتری از مردم برسد.

منابع تاریخی بیان می‌کنند که وقف مساجد و زوایا شامل زمین، ساختمان‌ها و اثاثیهٔ آن‌ها و همچنین ضمائم آن‌ها مانند مدارس قرآنی، مخازن، وضوخانه‌ها و گاهی اوقات محل سکونت امام جماعت نیز می‌شود. همچنین گاه این موارد شامل موقوفاتی می‌شود که درآمد آن‌ها به اداره و نگهداری مکان و دستمزد متولیان آن مانند مؤذن، امام جماعت و واعظ اختصاص می‌یابد (صبری، ۱٤۱۸ق، ص۹۱).

۷-۲. وقف مدارس و کتابخانه‌ها

زنان مسلمان در طول تاریخ اسلام، با پیروی از فرموده پیامبر(ص) که: «إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَنْهُ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثَةٍ: إِلَّا مِنْ صَدَقَةٍ جَارِيةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يدْعُو لَهُ» (طبرسی، ۱۳٦۰، ج۱، ص۳۲۱)، برای تأسیس مدارس و وقف آن‌ها رقابت می‌کردند. بسیاری از مدارس ساخته‌شده توسط زنان در سراسر شهرهای اسلامی گسترش یافتند، ازجمله:

«باب بشیر»، همسر خلیفهٔ عباسی مستعصم، مدرسهٔ بشیریه را در سال ٦٤۹ه/۱۲۵۱م در بغداد تأسیس کرد. این مدرسه همانند مدرسه مستنصریه وقف چهار مذهب فقهی اهل‌سنت بود و موقوفات زیادی به آن اختصاص داده شده بود (ارناووط، ۲۰۱٤، ص٤۰).

«اعذر دختر شاهنشاه بن ایوب بن شادی الخاتون» در سال ۵۸۰ه/۱۱۸٤م در دمشق مدرسهٔ عذراویه را تأسیس کرد. ابن‌شداد آن را یکی از بزرگ‌ترین مدارس توصیف کرده است (نعیمی‌دمشقی، بی‌تا، ج۱، ص۵۰۲).

فاطمه خاتون دختر نجم الدین ابی الشکر ملقب به «ست الشام» خواهر «صلاح الدین ایوبی» مدرسهٔ شامیه برانیه و مدرسهٔ شامیه جوانیه را در دمشق تأسیس کرد (نعیمی‌دمشقی، بی‌تا، ج۱، ص۷۹).

«بنفشه» که کنیز مورد توجه خلیفه حسن المستضی بأمر الله بود، در سال ۵۷۱ه/۱۱۷٦م مدرسهٔ شاطئیه را در بغداد تأسیس کرد و تدریس در آنجا را به ابن‌جوزی، دانشمند مشهور بغداد سپرد (ارناووط، ۲۰۱٤، ص۳۵).

«خاتون دختر معین الدین» همسر صلاح‌الدین ایوبی در سال ۵۷۰ه/۱۱۷٤م مدرسهٔ خاتونیه جوانیه را

در دمشق تأسیس کرد. این مدرسه مختص مذهب حنفی بود و او موقوفات زیادی برای آن اختصاص داد (نعیمی‌دمشقی، بی‌تا، ج۱، ص۵۰۷).

«پریزاد خانم»، ندیمه گوهرشاد آغا و از نوادگان ربیع بن خیثم معروف به خواجه ربیع، مدرسه پریزاد در ضلع غربی حرم امام رضا(ع) و جنب مسجد گوهرشاد را در سال ۸۲۳ ق. ساخت (دانشنامه جهان اسلام، ۱۳۷۵: ذیل پریزاد، مدرسه).

«بابه خاتون»، دختر اسدالدین شیرکوه، مدرسه کوچک عادلیه را که محل سکونت «زهره خاتون» در دمشق بود، تأسیس کرد (نعیمی‌دمشقی، بی‌تا، ج۱، ص۳٦۸).

«دار الشمسی» دختر سلطان منصور نورالدین عمر بن علی بن رسول دو مدرسه شمسیه را تأسیس کرد. یکی در منطقه ذی عدینه در شهر تعز و دیگری در شهر زبید (خزرجی‌زبیدی، ۱٤۰۳، ج۱، ص۲٤٦).

«مریم دختر شمس الدین بن عفیف» همسر سلطان مظفر از پادشاهان دولت رسولی در یمن، مدرسه سابقیه را تأسیس کرد که براساسِ منابع تاریخی، از بهترین مدارس بود (خزرجی‌زبیدی، ۱٤۰۳، ج۱، ص۲۸۸).

«نبیله» دختر پادشاه «شمس الدین یوسف بن عمر بن عبدالرسول»، مدرسه اشرفیه را در شهر زبید تأسیس کرد (خزرجی‌زبیدی، ۱٤۰۳، ج۱، ص۳۵۰).

«خرم خاصکی سلطان»، همسر سلطان سلیمان قانونی، موقوفات زیادی از جمله یک مدرسه و یک بیمارستان در استانبول تأسیس کرد. او همچنین دو مؤسسه خیریه در مکه و مدینه برای خدمت به اهل دانش در حرمین شریفین ساخت و موقوفات زیادی به آن‌ها اختصاص داد (مخلوف، ۲۰۰٦، ص۱۳).

«نور بانو سلطانه»، یکی از همسران سلطان سلیم دوم، یهودی بود و به اسلام گروید. او در اسکودار دانشگاهی ساخت که شامل مدرسه، مسجد و بیمارستان بود (مخلوف، ۱۹۹۸، ص۵۲).

ترخان خدیجه سلطان، همسر سلطان ابراهیم اول عثمانی، مدرسه «دارالحدیث» را بنا نهاد (مخلوف، ۱۹۹۸، ص٤٦).

مهر شاه سلطان، همسر سلطان مصطفی سوم، مدرسه و تعدادی مسجد در محله‌های مختلف استانبول ساخت و موقوفات زیادی برای آن‌ها اختصاص داد. او حقوق معلم مدرسه، شیخ قاریان و نگهبان مدرسه را پرداخت می‌کرد، علاوه بر این، حقوق و لباس مورد نیاز دانش‌آموزان مدرسه را نیز پرداخت می‌کرد (مخلوف، ۱۹۹۸، ص۵۱).

«مادر هولاکو»، فرمانده مغول که کتابخانه‌ها، کتاب‌ها و مدارس را به آتش کشید، یکی از کسانی بود که در راه دانش وقف می‌کرد. وی برای تأسیس مدارس بودجه اختصاص داد و دو مدرسه در بخارا تأسیس کرد. برای هر کدام از این مدارس کتابخانه‌ای وقف کرد که شامل کتاب‌هایی بود که در سرزمین‌های اسلامی فتح شده توسط مغولان به دست آمده بودند (عفاف، ۲۰۱۰، ص۱۸).

«دالرام خانم» مادربزرگ یا جده شاه عباس دوم، دو مدرسه جده بزرگ و جده کوچک را در بازار اصلی اصفهان تاسیس نمود و موقوفاتی برای آنها اختصاص داد (رفیعی‌مهرآبادی، ۱۳۵۲، ص۵۵۳). وی به‌علاوه فهرستی از کتب وقفی را در پشت وقف‌نامه خود برای کتابخانه این مدارس ذکر کرده است (سپنتا، ۱۳٤٦، صص۳٤٦ و ۳٤۷).

«مریم بیگم»، دختر شاه صفی و خواهر شاه عباس دوم و از آخرین بانوان قدرتمند عصر صفوی، مدرسه مریم بیگم را در اصفهان احداث نمود و موقوفه‌هایی برای آن تعیین کرد. در وقف‌نامه این مدرسه تأکید شده که اعضای مدرسه باید همواره به تحصیل علوم دینی، مباحثه، مطالعه و عبادت مشغول باشند (سپنتا، ۱۳٤٦، ص۲۹۹). مریم بیگم به علاوه این، مدرسه‌ای با همین نام در خوانسار وقف کرد که اکنون پابرجاست (تسبیحی، ۱۳٤۹، صص۵۳۱-۵۳۸؛ مالزاده و محمدی، ۱۳۸۱، ص۵۹).

«خانم زینب بیگم»، همسر محمد مهدی حکیم‌الملک اردستانی، در تاریخ ۱۱۱۳ ق، مدرسه نیم‌آورد در اصفهان را وقف کرد (احمدی، ۱۳۸۳، ص۳۱-۳۲).

همهٔ موارد فوق تنها نمونه‌های محدودی از موقوفات زنان در جوامعی است که از نظر فرهنگ و آداب و رسوم متفاوت، اما از نظر اعتقادات مشترک بودند.

۷-۳. وقف بیمارستان‌های آموزشی

بیمارستان‌ها در طول تاریخ اسلام نه‌تنها مکان‌های درمانی بودند، بلکه مراکزی برای علم و تحقیق در امور پزشکی و دارویی نیز به شمار می‌رفتند. درواقع، وقف و منابع حاصل از آن به تأسیس بیمارستان‌های علمی تخصصی نیز گسترش یافت. برای مثال، یک دانشکدهٔ پزشکی به مدرسهٔ مستنصریه متصل بود و در وقف‌نامه تأسیس آن قید شده بود که پزشکان مدرسه و دانشجویان آن‌ها هر روز صبح از بیماران مدرسه عیادت کنند. همچنین در این مدرسه علاوه بر کمک‌های مادی، مقرری ماهانه به دانشجویان پزشکی پرداخت می‌شد (شعیبی، ۲۰۱۱، ص۲۰). زنان مسلمان چنان‌که در سایر گونه‌های اوقاف حضور و نقش پررنگ داشتند در این حوزه نیز فعال بودند. برخی از نمونه‌های وقف در حوزه بیمارستان و سلامت توسط زنان عبارت‌اند از:

«شغب»، مادر مقتدر عباسی، بیمارستانی را در منطقه بازار یحیی در کنار رود دجله در بغداد افتتاح و وقف کرد. این بیمارستان به‌عنوان اولین بیمارستان ساخته‌شده توسط یک زن در تاریخ ثبت شد (ارناووط، ۲۰۱٤، ص۳۰).

شفاعیه گوهر نصیبه در قیصریه (قرن ششم) و بیمارستان قتلق ترکان خاتون در کرمان (قرن ششم) نیز در زمره بیمارستان‌هایی است که توسط زنان ساخته و وقف شده است (اینالجق، ۱۳۸۸، صص۲۳۸-۲٤۲).

«خرم خاصکی سلطان»، همسر سلطان سلیمان قانونی، بیمارستانی با مغازه‌های فراوان برای حمایت از آن تأسیس کرد. این بیمارستان شامل یک دانشکدهٔ پزشکی بود که واقف آن را به بیمارستان متصل کرد (مخلوف، ۲۰۰٦، ص۱۳).

همچنین از بیمارستان‌های موقوفه زنان در عصر عثمانی می‌توان به دارالشفای حسکی خاتون (قرن دهم)، دارالشفای مانیسا (قرن دهم) و بیمارخانهٔ والده عتیق در اسکودار (قرن دهم) اشاره کرد (اینالجق، ۱۳۸۸، صص۲۳۸-۲٤۲).

«گلنوش سلطان»، همسر سلطان محمد چهارم، موقوفات بزرگی در مصر و استانبول داشت، ازجمله موقوفاتی که شامل یک شفاخانه در مکه بود (صداح، ۲۰۰۵، ص٤۳).

«پرتونهال سلطان»، همسر سلطان محمود دوم، در بیمارستان مکه و مدینه تعمیرات و توسعه‌هایی انجام داد و ضمن فراهم نمودن همهٔ ملزومات، برای بیمارستان پزشک، ماما، داروساز و جراح استخدام کرد (مخلوف، ۱۹۹۸، ص٤۳).

گرچه باید به این نکته توجه کرد که از نگاه برخی صاحب‌نظران در دوره‌های مختلف و به‌ویژه در حکومت عثمانی، شکل‌گیری برخی موقوفات برای حفاظت از ثروت در مقابل مالیات‌ها و مقررات حکومتی نیز بوده است (شاو، ۱۳۷۰، صص۲۸۰ و ۲۸۱) اما موارد ذکرشده نشان می‌دهد که مفهوم وقف برای بیمارستان‌های آموزشی و در حوزهٔ بهداشت در تاریخ اسلام تکامل یافته و به‌ویژه در دوران عثمانی به‌دلیل علاقهٔ آن‌ها به پزشکی و تعهدشان به فارغ‌التحصیلی پزشکانی که مطالعات نظری و بالینی را با هم ترکیب می‌کردند، به‌طور چشمگیری افزایش یافته است.

زنان عادی در دورهٔ عثمانی نیز از این قاعده مستثنی نبودند؛ بسیاری از آن‌ها موقوفات بی‌شماری را برای تأسیس بیمارستان‌های جدید یا هزینه در دانشکده‌های پزشکی و خدمات پزشکی در بیمارستان‌های موجود اختصاص دادند، تا اینکه این امر به یک سنت تبدیل شد (مخلوف، ۱۹۹۸، ص٤۳).

زنان تا اواخر دوران امپراتوری عثمانی همچنان موقوفات زیادی را برای مراقبت از بیماران و ارائهٔ خدمات پزشکی به آن‌ها اختصاص می‌دادند. برای مثال، در میان آن‌ها خانم حنیفه سلاحدار بود که بخشی از موقوفات خود را برای درمان مسلمانان فقیر در بیمارستان قصر العینی در قاهره اختصاص داد (خفاجی، ۲۰۰۶، ص۳٤).

۷-٤. وقف کتاب‌ها، کتابخانه‌ها، قرآن‌ها و بودجهٔ عمومی برای خدمت به دانش

منابع تاریخی نشان می‌دهند که وقف کتاب و تأسیس کتابخانه‌ها از نظر تاریخی با تأسیس و وقف مدارس پیوند خورده است. تاریخ هرگز ملتی را نشناخته است که به اندازهٔ مسلمانان در دوران جهش علمی خود، به جمع‌آوری کتاب پرداخته باشد و البته تاریخ، لشکرکشی تاتارها و کتاب‌سوزی در سرزمین‌های اسلامی را نیز فراموش نمی‌کند. در این میان زنان مسلمان نیز مانند مردان به وقف ثروت خود در راه گردآوری کتاب‌ها، تأسیس کتابخانه‌ها و گسترش دانش و دانشجویی همت گماردند. بخش درخور توجهی از موقافات زنان به وقف قرآن و نسخه‌های خطی اختصاص یافته است. برخی از نمونه‌های این بخش عبارت‌اند از:

«فضله» کنیز قیروانی ابو ایوب، که قرآن را با دست خود نوشت و در سال ۲۹۵ه/۹۰۷م به قاریان تقدیم کرد (حسین، بی‌تا، ص۲٤).

«فاطمه حاضنه»، مجموعه‌ای از کتاب‌های نفیس را در قرن پنجم هجری به مسجد «عقبه بن نافع» در قیروان اهدا کرد (کحاله، ۱۹۷۷، ج۴، ص۱۳۶).

«فاطمه دختر محمد الفضیلی» به جمع‌آوری کتاب در زمینه‌های مختلف هنری علاقه‌مند بود. او تمام کتاب‌های خود را به طلاب حنبلی اهدا کرد (حسین، بی‌تا، ص۲۵).

«مادر ناصر لدین الله عباسی» کتابخانه‌ای تأسیس کرد که نقش مهمی در گسترش فرهنگ در میان تمام طبقات جامعه ایفا کرد و اهمیت آن به حدی رسید که ابوالفرج عبدالرحمن بغدادی (۶۰۹ه/ ۱۲۱۲م)، هنگامی که به‌عنوان مدیر کتابخانه منصوب شد، دربان آن را منصوب کرد (عفاف، ۲۰۱۰، ص۲۰).

قدیمی‌ترین نسخهٔ مصحف با ترجمهٔ فارسی توسط «حاجیه فاطمه خانم»، دختر میر شرف‌الدین، از فرزندان امیر شمس‌الدین چهارمناری است که در تاریخ ۱۰۵۹ق در هند وقف شد (صدرایی خویی، ۱۳۷۸، ص۸).

«منوره خانم» در تاریخ ۱۱۵٦ق نسخه‌ای قرآن را وقف آستان قدس رضوی کرد. (آصف فکرت، ۱۳٦۹، ص۱٦٤، نسخهٔ شمارهٔ ٤۹۰)

«شرف جهان خانم» در تاریخ ۱۱۵۷ق مصحف قرآن را که دارای ترجمه نیز بود، وقف آستانه حضرت معصومه(س) نمود (دانش‌پژوه، ۱۳۵۵، ص٦٧)

«ساره دختر شیخ علی بن محمد بن عبدالوهاب»، از زنان قرن سیزدهم هجری، نسخه‌ای تذهیب‌شده از جزء سوم شرح صحیح مسلم نوشته ابوزکریا یحیی بن شرف نووی را وقف نمود (حربی، ۱۹۹۸، ص٨٤).

«نوره دختر فیصل بن ترکی» در سال ۱۲۸۳ هجری (١٨٦٦ میلادی) نسخه‌ای از کتاب «إغاثة اللهفان من مصاید الشیطان» نوشته ابن‌قیم جوزیه را وقف کرد (حربی، ۱۹۹۸، ص١٦٤).

همچنین برخی از زنان اموال مختلفی را وقف نموده و درآمد حاصل از آن را به مدارس و طلاب علوم اختصاص دادند. برای مثال، برخی از آنها عبارت‌اند از:

«جهان قادین»، همسر اسماعیل پاشا در مصر، زمین‌ها و مزارعی را وقف کرد که درآمد حاصل از آن‌ها در سال ۱۹۰۲ میلادی به علما و دانشجویان الازهر اختصاص یافت (عفاف، ۲۰۱۰، ص۲۱).

«جمیله دختر ناصر الدوله حسن بن عبدالله حمدانی» از زنان مشهور قرن چهارم هجری بود. او مبالغ هنگفتی را برای مسجد حضرت یونس وقف کرد (حسین، بی‌تا، ص٢٦).

«زینب دختر محمد علی پاشا» موقوفات زیادی به الازهر اختصاص داد و برای اساتید فقه براساسِ مذاهب چهارگانه، حقوق تعیین کرد. او همچنین موقوفاتی برای ١٤ مسجد، ازجمله مسجد الحسینی در مصر و مسجد سیده نفیسه و سیده زینب، اختصاص داد (کحاله، ۱۹۷۷، ج۲، ص۱۱۲).

«فاطمه دختر اسماعیل بن محمد بن علی»، خدیو مصر، در سال ۱۹۰۹، ٦٧٤ هکتار زمین را وقف دانشگاه مصر کرد و همچنین قطعه زمینی به مساحت ٦ هکتار و جواهراتی به ارزش ۱۸۰۰۰ پوند به دانشگاه اهدا نمود (کحاله، ۱۹۷۷، ج۴، ص۳۵۱).

همهٔ موارد فوق نشان می‌دهد که ازطریق نهاد وقف، زنان مسلمان توانسته‌اند ثروت و دارایی خود را برای کمک به احیای جنبش علمی صرف کنند.

۷-۵. وقف برای حرمین شریفین و مکان‌های مقدس

یکی از موارد مهم وقف در دورهٔ عثمانی و صفوی، وقف دارایی‌ها برای هزینه در مکه و مدینه، اماکن مقدس و زیارتگاه‌ها بود. با وجود شباهت‌هایی که از این نظر میان عصر صفوی و عثمانی وجود دارد، اوقاف آناتولی بیش از همه تحت‌تأثیر آداب و سنتی بود که در مصر رواج داشت. پس از فتح مصر از جانب سلاطین عثمانی، سنت وقف که در میان مردم آناتولی و حتی مسلمانان بالکان اهمیت زیادی داشت، بیشتر

به حرمین شریفین اختصاص یافت. برای مثال در سال ۷۲۱ ق، سلطان قلاوون به نام طغی، در مسیر حج به فقرا احسان کرد و در روز عید نان، شیرینی، لباس و سی هزار درهم به دیدار شوندگان انعام داد (دوغان، ۱۳۹۰، صص۷۸۲-۷۸۴). در این فضا بیشترین اوقاف زنان نیز در این دوره مربوط به والده سلطان‌ها یعنی مادران سلاطین بود که به حکومت رسیده بودند و اغلب خدمات خیر و اوقاف آن‌ها به گزارش وقف‌نامه‌ها برای مکه و مدینه و اهالی آنجا بود. در استانبول، وقف برای فقرای حرمین بیشتر بود. برای مثال مادر سلطان سلیم اول مقرر کرده بود سالی هزار اشرفی طلا میان فقرای مدینه توزیع شود که این مبلغ از درآمد حمام سلطان بایزید دوم تأمین می‌شد. صفیه سلطان، همسر مراد سوم، املاک خود در مصر را برای صد و بیست حافظ قرآن در مکه و مدینه و قدس و خدمتکاران آباداری مسجد وقف کرد. گلنوش امانت‌الله سلطان، همسر سلطان محمد چهارم، در مسیر حج، سقاخانه‌ها و چشمه‌های آب زیادی احداث کرد (دوغان، ۱۳۹۰، ص۷۸٤).

خرم سلطان، همسر سلطان سلیمان قانونی (متوفای ۹۶۵ق) موقوفات بسیاری بر مکه و مدینه مقرر کرد. وقف‌نامه او در کتابخانه خاتم‌المصریه در قاهره نگهداری می‌شود. بر این اساس چهارده آبادی به علاوه کاروانسراهایی وقف مکه و مدینه شد. وی همچنین دو کشتی با تمام وسایل در کانال سوئز وقف کرد تا محصول موقوفات مصر را به بنادر جده و ینبع حمل کنند و از آن‌ها برای حمل نیازمندی‌های مکه و مدینه استفاده شود (مهریزی، ۱۳۹۰، صص۱۹۷-۱۹۹).

ماه‌پیکر والده سلطان، همسر سلطان احمد اول، موقوفاتی برای تهیهٔ آب در مسیر حج و کمک به نیازمندان راه مکه و مدینه اختصاص داد. وقف‌نامهٔ او که در کتابخانهٔ ملت استانبول نگهداری می‌شود، جزئیات بسیاری دربارهٔ این موقوفه‌ها دارد؛ مانند سفارش به اهدای سالانه صد پیراهن و صد عبا به فقرای مکه و مدینه (دوغان، ۱۳۹۰، صص۷۸۷-۷۹۱).

برآمدن یک حکومت شیعی در ایران دورهٔ صفوی نه‌تنها در قدرت یافتن زنان مؤثر بود، بلکه در نوع گرایش‌های آن‌ها اثر داشت. یکی از این اثرات موقوفه‌هایی است که به بناهای مقدس و زیارتی تعلق می‌گرفت. بخشی از این اوقاف به عتبات عالیات تعلق داشت؛ مانند املاک و مستغلات گوهرشاد بیگم به تاریخ ۱۰۷۱ق که مخصوص زائران و مجاوران حضرت علی(ع) و امام حسین(ع) بود. همچنین موقوفات خانش بیگم، دختر شاه اسماعیل صفوی، که املاکی در خارج یزد را به زوار امام حسین(ع) اختصاص داده بود. موقوفات زینب بیگم به بقعهٔ حضرت عبدالعظیم در تاریخ ۹۹۷ق و تجدید بنای شاهزاده حسین در قزوین در تاریخ ۹۴۰ق نیز قابل اشاره است (مهریزی، ۱۳۸۹، ص۳۸؛ هدایتی، ۱۳۴۴، صص۹۳-۹۶).

به‌علاوه آرامگاه شخصیت‌های برجستهٔ دینی بخش درخور توجهی از موقوفات را به خود اختصاص

دادند. مهم‌ترین آن‌ها زیارتگاه شیخ صفی‌الدین اردبیلی است. گرایش‌های صوفیانه حاکمان ایلخانی زمینهٔ این‌گونه موقوفات را فراهم آورد، به‌طوری که غازان خان و خانوادهٔ او به حمایت از خانقاه‌های صوفیان گرایش داشتند. حمایت او از طریقت شیخ صفی، اوقاف زنان آن دوره برای آرامگاه شیخ صفی را تشدید کرد. می‌توان به موقوفات ملک خاتون دختر بزرگ گیخاتو، تمامه خاتون، کتایون خاتون و دیگران اشاره کرد. پیگیری این رشته موقوفات در دورهٔ صفویه آشکارتر است. بنفشه خاتون از همسران سلطان حیدر پدر شاه اسماعیل، با وقف چند روستا از توابع تبریز در ردیف واقفان این عصر قرار دارد. فخر جهان خاتون، خواهر شاه اسماعیل نیز یکی از زنان سرشناس صفوی است که یک قطعه از مراتع را وقف بقعهٔ شیخ صفی کرد. همسران و دختران صفوی سهم درخور ملاحظه‌ای از املاک و زمین‌های آذربایجان را در اختیار داشتند و بدین ترتیب بخشی از آن‌ها را به آرامگاه فروختند یا وقف کردند. حتی زنانی از آناتولی اوقافی برای آرامگاه شیخ صفی داشتند؛ مانند بنگی سلطان قلچلوغری، دختر حمزه آقا بن مراد آقا روملو، دختران افراد صاحب نام و عرفا همانند خاتون خان زاهدیه بیگم، دختر شیخ عارف یوسف شاه بن شیخ کامل که روستاهایی را وقف بقعه شیخ صفی کردند. در مجموع زنان سی درصد از سهم فروش حمام‌های عمومی، بیست درصد از کاروانسراهای کوچک اردبیل، ده درصد از مغازه‌ها، بیست‌وپنج درصد از خانه‌ها، پنجاه درصد از سهم روستاهای اطراف اردبیل و پانزده درصد از آسیاب‌های بادی را وقف بقعهٔ شیخ صفی‌الدین اردبیلی کردند. به نظر می‌رسد اغلب این زنان مایل بودند افزون بر انجام کارهای خیر، برتری اقتصادی خود را نیز در این بقعه نشان دهند (زرین‌باف شهر، ۱۳۸۴، صص۹۱-۱۰۰).

۷-٦. وقف بناهای خدماتی و امور عام‌المنفعه

ازجمله موقوفات زنان در تاریخ اسلام می‌توان به وقف بناهای عام‌المنفعه و امور مرتبط با خدمات عمومی اشاره کرد که سهم مهمی از منافع آن به عموم مردم می‌رسید. به گفتهٔ شاردن زنان عصر صفوی نخست، کاروانسرایی را جهت سکونت رایگان وقف در راه ماندگان می‌کردند و سپس گرمابه، قهوه‌خانه، بازار و باغی بنا کرده و اجاره می‌دادند و پس از احداث مدرسه، اجاره‌بهای آن‌ها را وقف مدرسه می‌کردند (شاردن، ۱۳۵۳، ص۴۵) سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس نیز زنان را در کارهای عام‌المنفعه بهتر از مردان توصیف کرده است (فیگوئروا، ۱۳۶۳، صص۱۲۷ و ۱۲۸). برخی از این نمونه‌ها عبارت‌اند از:

«زینب بیگم»، چهارمین دختر شاه طهماسب صفوی که عمه شاه عباس اول و مقتدرترین زن دربار بود، گرمابه‌ای در مشهد بنا کرد. این گرمابه در کنار بازار قرار داشت و در سال ۱۳٥٤ هنگام توسعهٔ اطراف حرم تخریب شد. زینب بیگم موقوفات دیگری همچون راه‌ها، پل‌ها، کاروانسراها و بیمارستان‌های متعددی از خود به جای گذاشت (فلسفی، ۱۳۵۳، ص۲۰۷).

زینب بیگم، ملکهٔ شاه عباس کبیر کاروانسرایی بین راه سگزارباد به ساوه وقف نمود که متعلقاتی هم داشته است (شاردن، ۱۳۵۳، ص۵۰؛ حجازی، ۱۳۸۱، ص۳۱۳).

«ماه‌پیکر والده سلطان»، همسر سلطان احمد اول، ازجمله زنان بانفوذ حکومت عثمانی بود که کارهای خیر انجام می‌داد و موقوفات زیادی داشت. ازجمله کاروانسرای والده خان یا کاروانسرای والده در استانبول که محل اسکان ایرانیان بود. وی مسجد و مدرسه والده در استانبول و مجموعه چینیلی را در اسکودار استانبول شامل مسجد، حمام، مدرسه، بیمارستان احداث کرد و پل هفت‌چشمه را بر نهر بادرا در مسیر حج ساخت (دوغان، ۱۳۹۰، صص۷۸۷-۷۹۱).

این نوع موقوفات حتی شامل موارد کوچک نیز می‌شد. برای نمونه سنگابی که در صحن امامزاده اسماعیل در اصفهان قرار دارد و متعلق به بانویی به نام شامیر در تاریخ ۱۰۴۹ق است (رفیعی مهرآبادی، ۱۳۵۲، ص۱۰۴۹).

با وجود حضور چشمگیر زنان در کارهای خیر و وقف، به‌سبب در اختیار داشتن منابع محدود مالی، این بخش معمولاً در حدود یک‌پنجم کل اوقاف را در بر می‌گرفت. بااین‌حال از میان پنجاه‌ونه وقف‌نامهٔ موجود در ادارهٔ اوقاف اصفهان، هفده مورد آن (حدود یک‌سوم) متعلق به زنان است و می‌تواند نشانی دیگر از حضور، قدرت و گرایش به خیرخواهی در محدودهٔ زمانی باشد که زنان امکانات بیشتری در اختیار داشتند (مهریزی، ۱۳۸۹، صص۴۰-۴۴).

در دورهٔ صفویه و عثمانی نظام وقف با گسترش مجموعه‌های اقتصادی و فرهنگی، کمک فراوانی به توسعهٔ شهرها کرد. بر این اساس، بخشی از توسعهٔ شهری اصفهان و استانبول پایتخت عثمانیان از رهگذر موقوفه‌های زنان در این زمینه حاصل شده است (اینالجق، ۱۳۸۸، صص۲۳۸-۲۴۲). در یک نگاه کلی باید اذعان کرد موقوفات در شهرهای بزرگ و مذهبی مانند اصفهان، قم، مشهد و اردبیل در رشد و ساختار اجتماعی، آموزشی و دینی بسیار اثرگذار بوده است (حیدریان، ۱۳۸۸، صص۵۴-۵۸).

۸. کارکردهای وقف زنان برای تمدن نوین اسلامی

در این بخش براساسِ مطالب گذشته، به برخی کارکردهای موضوع وقف زنان برای تمدن نوین اسلامی پرداخته می‌شود. نظام وقف به‌مثابهٔ یکی از نهادهای ماندگار و کارآمد تمدن اسلامی، چنان‌که در گذشته نقشی محوری در شکوفایی علمی ایفا کرده، می‌تواند برای تمدن نوین اسلامی نیز کارکردهای راهبردی متعددی داشته باشد. بررسی تاریخی موقوفات زنان، با تأکید بر مشارکت گستردهٔ آنان در عرصه‌های علمی، آموزشی، بهداشتی و خدمات عمومی، الگویی عملیاتی برای بازتعریف نقش زن مسلمان در فرایند

تمدن‌سازی معاصر فراهم می‌آورد. ازآنجاکه اهداف تمدن نوین اسلامی بر عدالت اجتماعی، توسعهٔ دانش‌بنیان و توانمندسازی تمامی اقشار جامعه استوار است (اکبری و رضائی، ۱۳۹۶، صص۹۰ و ۹۱)، بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهاد وقف و به‌ویژه احیای جایگاه زنان در آن، ضرورتی انکارناپذیر است. برخی از مهم‌ترین این ظرفیت‌ها عبارت‌اند از:

۸-۱. توانمندسازی اقتصادی و حقوقی زنان

یکی از مهم‌ترین کارکردهای وقف زنان در تمدن اسلامی، تأمین استقلال مالی و حقوقی آنان بوده است. براساسِ شواهد تاریخی، زنان مسلمان بدون نیاز به کسب اجازه از مردان خانواده، می‌توانستند دارایی خود را وقف کنند و این نشان‌دهندهٔ نبودِ هرگونه محدودیت شرعی برای مشارکت اقتصادی آنان است (احمدی، ۱۳۹۷، صص۱۳۹-۱۲۳). این استقلال مالی، زمینه‌ساز حضور مؤثر زنان در عرصه‌های عمومی و تصمیم‌سازی‌های کلان می‌شد. در تمدن نوین اسلامی، احیای این سنت می‌تواند به شکل‌گیری الگوهای جدیدی از مشارکت اقتصادی زنان بینجامد. نهاد وقف به زنان امکان می‌دهد تا با حفظ مالکیت بر دارایی خود، از منافع آن در مسیر تحقق اهداف خیرخواهانه بهره برند و بدین‌ترتیب، هم به استقلال مالی دست یابند و هم در توسعهٔ جامعه نقش‌آفرینی کنند. پژوهش‌های معاصر نیز بر پتانسیل وقف در احیای عاملیت اقتصادی زنان در کشورهای مسلمان تأکید دارند (Dallh, 2023, p25). همچنین کتاب *زنان بنیانگذار وقف* که مجموعه‌ای از مقالات علمی ارائه‌شده در سمپوزیوم «هفته وقف» استانبول است، استقلال اقتصادی زنان از والده سلطان تا عموم مردم را در دورهٔ سلجوقی و عثمانی مستند کرده و آن را ابزاری راهبردی در سیاست اجتماعی معرفی می‌کند (Rahmany, 2025).

۸-۲. گسترش شبکه‌های علمی و آموزشی

وقف زنان نقشی بی‌بدیل در تأسیس و ادارهٔ مراکز علمی و آموزشی ایفا کرده است. از دانشگاه قرویین تا مدارس متعدد در بغداد، دمشق، قاهره و اصفهان که توسط زنان تأسیس شده، همگی گواهی بر این کارکرد راهبردی هستند. در تمدن نوین اسلامی، این کارکرد را می‌توان در قالب تأسیس بنیادهای علمی وقفی، حمایت از پژوهشگران جوان، ایجاد کتابخانه‌های تخصصی و تأمین هزینه‌های تحصیلی دانش‌آموزان و دانشجویان مستعد اما کم‌بضاعت بازتولید کرد. مطالعات معاصر نیز نشان می‌دهد که موقوفات زنان با هدف از بین بردن جهل و بی‌سوادی و تشویق توسعهٔ علم، نقشی برجسته در تحقق توسعهٔ علمی داشته است (برقوق،۲۰۲۳، ص۱۰۳) همچنین زنان اندلسی با وقف مساجد، نسخه‌های خطی قرآن، مدارس و کتابخانه‌های مساجد، خدمات علمی چشمگیری به علم و دانش‌پژوهان ارائه دادند که این سنت می‌تواند الگویی برای نظام‌های آموزشی وقفی در دوران معاصر باشد (عبدالرضا، ۲۰۲۴، ص۳۱۴۰).

۸-۳. تقویت زیرساخت‌های سلامت و رفاه عمومی

بیمارستان‌های آموزشی و مراکز درمانی که توسط زنان وقف می‌شدند، نه‌تنها مکان‌های درمانی، بلکه مراکزی برای تحقیق و آموزش در امور پزشکی و دارویی به شمار می‌رفتند (اینالجق، ۱۳۸۸، صص۲۴۲-۲۳۸؛ مخلوف، ۱۹۹۸، ص۴۳). در تمدن نوین اسلامی، می‌توان این کارکرد را به تأسیس بیمارستان‌های وقفی، مراکز تحقیقاتی پزشکی، کلینیک‌های تخصصی برای مناطق محروم و نظام‌های بیمهٔ سلامت همگانی توسعه داد. این الگو به‌ویژه در شرایطی که نظام‌های سلامت با چالش‌های مالی و پوشش همگانی مواجهند، می‌تواند راهگشا باشد. پژوهش‌های تاریخی در مصر عصر ممالیک نشان می‌دهد که وقف یکی از ارکان نهضت علمی و عمرانی بوده و زنان در وقف مربوط به توسعهٔ علوم و پیشرفت امت پیشگام بوده‌اند (ردینی، ۲۰۲۳، ص۳۷۰).

۸-٤. حفظ و اشاعهٔ میراث مکتوب و دانش اسلامی

وقف کتاب‌ها و نسخه‌های خطی و نیز تأسیس کتابخانه‌ها، سهم درخور توجهی از موقوفات زنان را به خود اختصاص داده است. منابع تاریخی از زنانی یاد کرده‌اند که قرآن‌ها را با دست خود می‌نگاشتند و وقف می‌کردند؛ مانند فضله، کنیز قیروانی ابو ایوب، که قرآن را در سال ۲۹۵ هجری به قاریان تقدیم کرد (حسین، بی‌تا، ص۲۴). در تمدن نوین اسلامی، این کارکرد را می‌توان به ایجاد کتابخانه‌های دیجیتال وقفی، حمایت از فرایند دیجیتالی‌سازی نسخه‌های خطی و تأسیس مراکز پژوهشی برای احیا و تصحیح متون کهن توسعه داد. با توجه به روند جهانی دیجیتال‌سازی منابع و اهمیت حفظ میراث علمی، این کارکرد همچنان از اولویت فراوانی برخوردار است.

۸-۵. ایجاد زیرساخت‌های شهری و خدمات عمومی

موقوفات زنان در دورهٔ صفوی و عثمانی نقشی اساسی در توسعهٔ شهری و ایجاد زیرساخت‌های عمومی ایفا کردند (فلسفی، ۱۳۵۳، ص۲۰۷). در تمدن نوین اسلامی، این الگو می‌تواند به ایجاد مسکن اجتماعی وقفی، تأسیس مراکز تجاری و خدماتی با کاربری عمومی و توسعهٔ زیرساخت‌های شهری در مناطق کم‌برخوردار منجر شود.

۸-٦. نهادینه‌سازی عدالت اجتماعی و کاهش فقر

وقف زنان همواره وسیله‌ای برای تحقق عدالت اجتماعی و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر بوده است. بسیاری از زنان واقف با اختصاص موقوفات خود به فقرا، ایتام، بیماران و درماندگان، به نوعی نظام تأمین اجتماعی پیش از مدرن را پیریزی کردند (مخلوف، ۱۹۹۸، صص ۴۶ و ۵۱). در تمدن نوین اسلامی، این

کارکرد را می‌توان در قالب بنیادهای خیریه وقفی برای تأمین معیشت نیازمندان، ایجاد صندوق‌های قرض‌الحسنه، حمایت از زنان سرپرست خانوار و کودکان بی‌سرپرست و ارائهٔ خدمات مشاوره و توانمندسازی به اقشار محروم بازتعریف کرد. پژوهش‌های معاصر نشان می‌دهند که وقف در دوران ممالیک و عثمانی نقش حیاتی در تجدید حیات شهری و اقتصاد فیزیکی شهرهای بزرگی همچون قاهره، استانبول، دمشق و حلب ایفا کرده و در دوره‌های بحران اقتصادی‌سیاسی، نقش رفاهی آن برای فقرا و زنان آسیب‌پذیر در مناطق شهری و روستایی بسیار برجسته بوده است (Dallh, 2023, p27)

۸-۷. تحقق الگوی حکمرانی مشارکتی و کارآمدی سازمانی

زنان واقف در تاریخ اسلام نه‌تنها به‌عنوان بنیان‌گذار، بلکه در جایگاه مدیر و متولی موقوفات نیز نقش‌آفرینی می‌کردند. این امر نشان‌دهندهٔ ظرفیت چشمگیر نهاد وقف برای ایجاد نظام‌های مشارکتی در ادارهٔ امور عمومی است. وقف‌نامه‌های برجای‌مانده نشان می‌دهد که زنان واقف با آگاهی از سیاست‌های روز جامعه و نیازهای آن، در همسو کردن جریان وقف با اهداف فرهنگی‌مذهبی حاکم نقشی مؤثر ایفا می‌کردند (احمدی، ۱۳۹۷، صص۱۳۹-۱۲۳). در تمدن نوین اسلامی، این کارکرد می‌تواند الگویی برای ایجاد نهادهای مدنی مستقل، شفافیت مالی و نظارت مردمی بر هزینه‌کرد منابع عمومی باشد. کتابخانه‌های آستان قدس رضوی و اسناد موجود در ادارهٔ کل اوقاف استانبول، گواه روشنی بر سابقهٔ طولانی این نظام مدیریتی است که می‌تواند با به‌روزرسانی، کارآمدی خود را در عصر جدید نیز حفظ کند.

۸-۸. بازنمایی هویت دینی‌فرهنگی و افزایش سرمایهٔ اجتماعی

موقوفات زنان همواره بازتاب‌دهندهٔ باورهای دینی عمیق و ارادت آنان به ساحت‌های مقدس بوده است. وقف برای حرمین شریفین، اماکن متبرکه و زیارتگاه‌ها، افزون بر جنبه‌های عبادی، نشان‌دهندهٔ رقابت اقتصادی و اجتماعی زنان در عرصه‌های عمومی و تلاش آنان برای کسب سرمایهٔ اجتماعی بوده است (مهریزی، ۱۳۸۹، صص۴۴-۳۸). در تمدن نوین اسلامی، این کارکرد می‌تواند به ایجاد شبکه‌های همبستگی دینی‌فرهنگی، حفظ میراث مذهبی و افزایش سرمایهٔ اجتماعی در سطح جوامع اسلامی بینجامد.

براساسِ پژوهش‌های معاصر، احیای نقش تاریخی زنان به‌عنوان بنیان‌گذار و مدیر وقف می‌تواند تصویری متفاوت از قواعد مردسالارانه حاکم ارائه دهد و فرصتی طلایی برای جوامع اسلامی فراهم آورد تا زنان را به‌عنوان عاملان کلیدی توسعه معرفی کنند (Dallh, 2023, p29). احیای این سنت حسنه در قالب نظام‌های مدرن وقفی، با بهره‌گیری از تجارب تاریخی غنی و تطبیق آن با مقتضیات عصر جدید، می‌تواند به تحقق عملی اهداف تمدن نوین اسلامی کمک شایانی کند.

نتیجه‌گیری

بررسی نهاد وقف و کارکردهای آن در تاریخ تمدن اسلامی، رابطه‌ای عمیق و دوسویه میان این نهاد و مفهوم مسئولیت‌پذیری اجتماعی فرد مسلمان، اعم از زن و مرد، آشکار می‌سازد. آنچه از بررسی موقوفات زنان در گستره‌ای وسیع از صدر اسلام تا پایان عصر عثمانی و صفوی به دست می‌آید، گویای واقعیتی چندلایه است. نخست آنکه موقوفات زنان گرچه در آغاز محدود و ناچیز بود، اما به‌تدریج و به‌ویژه در دوران عباسیان، ایوبیان، سلجوقیان، عثمانی و صفوی، توسعه و تنوع چشمگیری یافت و نشانه‌ای آشکار از جایگاه رو به رشد اقتصادی و اجتماعی زنان در آن جوامع است. زنان واقف از اقشار مختلفی برخاسته‌اند: همسران و مادران خلفا و سلاطین، کنیزانی که به جایگاه بالا رسیده‌اند و زنان عامی و ثروتمند. انگیزهٔ غالب در همهٔ این موقوفات، انگیزهٔ دینیِ کسب ثواب اخروی و جاودان‌سازی نام ازطریقِ «صدقه جاریه» بوده است و بدین‌ترتیب، نه دین که عرف‌ها و عادت‌های اجتماعیِ فراتر از احکام شرعی، در برخی دوره‌ها و جوامع نقش زن را کمرنگ کرده‌اند.

تأثیرات موقوفات زنان بر خیزش علمی تمدن اسلامی انکارناپذیر است: تأسیس دانشگاه قرویین، مسجد و مدرسهٔ گوهرشاد، ده‌ها مدرسه در دمشق، بغداد، قاهره، اصفهان و استانبول، بیمارستان‌های آموزشی، کتابخانه‌های عمومی و موقوفات اختصاصی برای طلاب علوم، همگی گواهی بر این تأثیرگذاری هستند. منابع تاریخی به‌صراحت گزارش می‌دهند که به‌دلیل بودجه‌های وقفی، طلاب علوم از سراسر جهان اسلام برای کسب دانش رایگان به شهرهای بزرگ هجوم می‌آوردند و بدین‌ترتیب، دانش در تمام شاخه‌ها رشد و شکوفا شد.

درنهایت، نهاد وقف به‌مثابهٔ یک سازوکار اقتصادی و اجتماعی کارآمد، زمینهٔ توانمندسازی زنان مسلمان را در طول تاریخ فراهم آورده است. باوجود محدودیت‌های فرهنگی در برخی دوره‌ها، زنان توانستند ازطریقِ مالکیت، استقلال مالی و مشارکت در وقف، حضوری تأثیرگذار در عرصه‌های علمی، آموزشی، بهداشتی و خدمات عمومی داشته باشند. احیای این سنت در قالب نظام‌های مدرن وقفی و بهره‌گیری از کارکردهای هشتگانهٔ آن (توانمندسازی اقتصادی، گسترش شبکه‌های علمی، تقویت زیرساخت‌های سلامت، حفظ میراث مکتوب، ایجاد زیرساخت‌های شهری، نهادینه‌سازی عدالت، حکمرانی مشارکتی و بازنمایی هویت دینی‌فرهنگی)، می‌تواند به تحقق اهداف تمدن نوین اسلامی در عدالت‌محوری، علم‌گرایی و مشارکت همگانی کمک شایانی کند. بر این اساس، پژوهش حاضر تأکید می‌کند که هرگونه قضاوت دربارهٔ جایگاه زن در تمدن اسلامی، بدون توجه به داده‌های تاریخی موقوفات، ناقص و احتمالاً مغرضانه خواهد بود.

تشکر و قدردانی

ابراز نشده است.

تضاد منافع

نویسندگان تضاد منافعی اعلام نکرده‌اند.

منابع

- أرناؤوط، محمد (۲۰۱۴). وقف المرأة فی عالم الإسلام: مقاربة جدیدة لمکانة المرأة فی المجتمع. بیروت: دار جداول.
- آقامحمدی، سمیه، تقوی سنگدهی، سیده لیلا، محمدی، لیلا (۱۴۰۱). نگاهی به وضعیت آموزشی کنیزان در عصر اول خلافت عباسی (۱۳۲- ۲۳۲ه.ق). *مطالعات تاریخی جهان اسلام*، ۱۰(۲۴)، ۱۱۸-۱۳۴. doi: 10.22034/mte.2021.10560.1442
- آصف فکرت، محمد (۱۳۶۹). *فهرست الفبایی کتب خطی کتابخانه مرکزی آستان قدس*. مشهد: کتابخانه آستان قدس رضوی.
- إبراهیم حسن، علی (۱۹۶۳). التاریخ الإسلامی العام: الجاهلیة، الدولة العربیة، الدولة العباسیة. القاهرة: مکتبة النهضة المصریة.
- ابن‌ابی‌جمهور، حمدبن علی‌بن ابراهیم أحسائی (۱۴۰۳ق). *عوالی اللئالی العزیزیة فی الاحادیث الدینیة*. تحقیق مجتبی عراقی. قم: موسسهٔ سیدالشهداء.
- ابن‌ادریس، محمدبن‌منصور (۱۴۱۰ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: النشر الاسلامی تابعه الجماعه المدرسین.
- ابن‌العماد، عبدالحی‌بن‌احمد حنبلی (۱۹۸۶). *شذرات الذهب فی أخبار من ذهب*. تحقیق: محمود الأرناؤوط. دمشق: دار ابن‌کثیر.
- ابن‌خوجة، محمد الحبیب (۱۹۹۶). *لمحة عن الوقف فی التنمیة فی الماضی والحاضر*. عمان: المجمع الملکی لبحوث الحضارة الإسلامیة.

- ابن‌جبیر، أبوالحسن محمدبن‌أحمد (بی‌تا). *رحلة ابن‌جبیر*. بیروت: دارالهلال.
- ابن‌حزم، ابومحمد علی‌بن احمدبن سعید الأندلسی (بی‌تا). *المحلی بالآثار*. تحقیق احمد محمد شاکر. بیروت: دارالجیل.
- ابن‌خلدون (بی‌تا). مقدمة إبن‌خلدون؛ کتاب العبر ودیوان المبتدا والخبر فی أیام العرب والعجم والبربر ومن عاصرهم من ذوی الأکبر. القاهرة: مکتبة نهضة مصر.
- ابن‌قدامة (۱۹۸۳). *المغنی*. بیروت: دار الکتاب العربی.
- ابن‌کثیر، أبو الفداء إسماعیل‌بن‌عمر (۱۴۱۹ق). *البدایة و النهایة* (ط۳). تحقیق: صدقی محمد العطار. بیروت: دار الفکر.
- ابن‌منظور، محمدبن مکرم‌بن علی (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار إحیاء التراث العربی.
- احمدی، نزهت (۱۳۸۳). نقش زنان در ایجاد بناهای مذهبی در پایتخت صفویان. *بانوان شیعه*، ۱(۱)، ۱۹-۳۶. https://hawzah.net/fa/Article/View/86504/
- احمدی، نزهت (۱۳۹۷). تأملاتی بر نقش زنان در گسترش موقوفات عصر صفوی. *فصلنامهٔ وقف میراث جاویدان*، ۲۶(۱۰۱، پیاپی ۱۰۲)، ۱۲۳-۱۳۹. https://www.magiran.com/paper/1923745/
- اکبری، مرتضی، رضائی، فریدون (۱۳۹۶). واکاوی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری(مدظله). *فصلنامهٔ علمی مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*، (۵)، ۸۵-۱۰۸. https://www.ipoba.ir/article_16946.html
- اینالجق، خلیل (۱۳۸۸). *امپراتوری عصر متقدم*. ترجمه: کیومرث قرقلو. تهران: بصیرت.
- بالمقدم، رقیة (۱۹۹۳). *أوقاف مکناس فی عهد مولای إسماعیل*. مغرب: وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامیة المغربیة.
- باستانی، سوسن، حیدرزاده، زهرا (۱۳۹۲). بررسی جایگاه زنان در اندیشهٔ علامه طباطبایی در تفسیر المیزان: دوگانهٔ زن آسمانی- زن زمینی. *مجلهٔ مطالعات اجتماعی ایران*، ۷(۳)، ۳-۲۴. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20083653.1392.7.3.1.4

- برقوق، خدیجه (۲۰۲۳). *اسهام أوقاف المرأة فی التنمیة العلمیة*. الجزائر: جامعة الوادی.
- تازی، عبدالهادی (۱۹۷۲). *القرویین: جامعاً وجامعة*. بیروت: دار الکتاب اللبنانی.
- ترمذی، محمدبن‌عیسی (۱۹۷۵). *سنن الترمذی*. تحقیق أحمد محمد شاکر. مصر: شرکة مکتبة ومطبعة مصطفی البابی الحلبی.
- تسبیحی، محمدحسین (۱۳۴۹). مدرسه مریم بیگم صفوی. *وحید*، ۷۷ (۵)، ۵۳۱-۵۳۸. http://noo.rs/DFktk
- جاحظ، عمروبن‌بحر (۱۹۸۷). *المحاسن والأضداد*. بیروت: دار الهلال.
- حربی، دلال بنت مخلد (۱۹۹۸). *نساء شهیرات من نجد*. الریاض: دارة الملك عبدالعزیز.
- حسنی، محیا، بختیاری، محمد (۱۴۰۱). تحلیل محتوای اسناد موقوفات زنان قزوین از ابتدای دورهٔ قاجاریه تا پایان عهد ناصری (۱۳۱۳- ۱۲۱۰ه.ق). *پژوهش‌نامهٔ زنان*، ۱۳(۴۲)، ۴۱-۷۰. doi: 10.30465/ws.2023.43333.3712
- حسین، عقیلة (بی‌تا). *دور اوقاف النساء فی النهضة العلمیة فی المجتمع المسلم مشرقا و مغربا*. الجزایر: کلیة العلوم الإسلامیة، قسم الشریعة.
- حمیدان، إیمان (۲۰۰۶). *المرأة والوقف*. کویت: الأمانة العامة للأوقاف الکویتیة.
- حیدریان، زهرا (۱۳۸۸). زنان واقف در عصر صفوی. *وقف میراث جاویدان*، (۶۶)، ۴۸-۵۹. https://www.ensani.ir/fa/article/238750/
- حجازی، بنفشه (۱۳۸۱). *مدارس و بناهای مذهبی*. تهران: حوزهٔ هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- خزرجی زبیدی، علی‌بن‌الحسن (۱۴۰۳ق). *العقود اللؤلؤیة فی تاریخ الدولة الرسولیة*. تحقیق: محمد بسیونی عسل. بیروت: دار الآداب.
- خفاجی، ریهام أحمد (۲۰۰۶). أوقاف النساء: نماذج لمشارکة المرأة فی النهضة الحضاریة، دراسة للحالة المصریة فی النصف الأول من القرن العشرین. *مجلة الأوقاف*، (۲). https://kshaf.awqaf.gov.qa/handle/1234/14050

- دانش‌پژوه، محمدتقی (۱۳۵۵). فهرست کتابخانه اهدایی آقای سید محمد مشکوة به کتابخانه دانشگاه تهران. تهران: دانشگاه تهران.

- دانش‌پور، علی، ریاحی سامانی، نادر (۱۳۸۹). *چرا و چگونه وقف کنیم* (چ سوم). تهران: سازمان چاپ و انتشارات.

- دانشنامهٔ جهان اسلام (۱۳۷۵). زیر نظر غلامعلی حداد عادل. تهران: بنیاد دایرةالمعارف اسلامی.

- دردیر، أحمدبن‌محمد (بی‌تا). *أقرب المسالك إلى مذهب الإمام مالك*. الجزائر: مكتبة الرحاب.

- دوغان (۱۳۹۰). وقف‌های عثمانی و وقفیهٔ والده سلطان ماه‌پیکر. *پیام بهارستان*، ۲(۱۳)، ۷۸۲ـ۸۱۴. https://lib.isfahan.ir/dl/search/default.aspx?Term=25366&Field=0&DTC=113

- ردینی، ریم سعود سالم (۲۰۲۳). أوقاف المرأة المسلمة فی مصر زمن سلاطین الممالیك (۶۴۸-۹۲۳ ه ۱۲۵۰-۱۵۱۷ م): دراسة تاریخیة. *حولیات آداب عین شمس*، ۵۱(ب)، ۳۵۹-۳۷۸. https://search.emarefa.net/detail/BIM-1517387

- رفیعی مهرآبادی، ابوالقاسم (۱۳۵۲). *آثار ملی اصفهان*. تهران: انجمن آثار ملی.

- زرین‌باف شهر، فریبا (۱۳۸۴). فعالیت‌های اقتصادی زنان صفوی در زیارتگاه شهر اردبیل. مترجم: محمد مروار. *نامهٔ تاریخ‌پژوهان*، (۳)، ۸۰-۱۰۲. http://noo.rs/kNddc

- سپنتا، عبدالحسین (۱۳۴۶). *تاریخچهٔ اوقاف اصفهان*. اصفهان: [بی‌نا].

- سعدالله، أبوالقاسم (۱۹۹۸). *تاریخ الجزائر الثقافی*. بیروت: دار الغرب الإسلامی.

- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۹۸۶). *تاریخ الخلفاء*. تحقیق: قاسم الرفاعی. بیروت: دار القلم.

- شاردن، ژان (۱۳۵۳). *سیاحت‌نامه*. ترجمه: محمد عباسی. تهران: امیرکبیر.

- شاو، استانفورد جی (۱۳۷۰). *تاریخ امپراطوری عثمانی و ترکیه جدید*. مترجم: محمود دهقان‌زاده. مشهد: آستان قدس رضوی.

- شربینی خطیب، شمس‌الدین محمد (۱۹۸۵). *المغنی المحتاج إلی معرفة معانی ألفاظ المنهاج*. مصر: مکتبة مصطفی البابی الحلبی وأولاده.

- شعیبی، عبدالفتاح (۲۰۱۱). أوقاف المراکز العلمیة فی العصر السلجوقی: دورها فی النهضة العلمیة الإسلامیة. بی‌جا.

- شوندی، کبری، کامرانی‌فر، احمد، بارانی، محمدرضا (۱۳۹۹). نقش و جایگاه زنان درباری در نظام وقف امپراتوری عثمانی از دورهٔ سلیمان قانونی تا عبدالحمید دوم. *پژوهش‌نامهٔ تاریخ*، ۱۵(۶۰)، ۱۶۱-۱۸۷. https://sanad.iau.ir/fa/Article/942158

- صبری، عکرمة سعید (۱۴۱۸ه). *الوقف الاسلامی بین النظریة والتطبیق*. عمان: دار النفائس للنشر والتوزیع.

- صداح، أمیرة بنت علی (۲۰۰۵). الأوقاف العثمانیة بمکة المکرمة ودور المرأة فیها: وقفیة کولنوش والده سلطان. *مجله رسالة المشرق*، ۳۷۳-۴۳۶. https://kshaf.awqaf.gov.qa/handle/1234/11942

- صدرایی خویی، علی (۱۳۸۷). سهم زنان در وقف نسخه‌های خطی ترجمه‌های فارسی قرآن کریم. *وقف میراث جاویدان*، (۶۴)، ۸-۱۲. http://noo.rs/6hdqa

- طبرسی، امین‌الاسلام ابوعلی فضل‌بن‌حسن (۱۳۶۰). *مجمع البیان*. تهران: انتشارات فراهانی.

- عبدالرضا، صابرین بهاء (۲۰۲۴). نماذج من نساء شهیرات فی الأندلس فی مجال العلوم. *مجلة مرکز بابل للدراسات الانسانیة*، ۱۴(۱)، ۳۱۳۹-۳۱۶۸. https://bcchj.uobabylon.edu.iq/index.php/bcchj/ar/article/view/1322

- عفاف، عبدالغفور حمید (۲۰۱۰). *مساهمات المرأة فی الوقف الإسلامی عبر التاریخ*. بحث منشور، کلیة الشریعة والدراسات الإسلامیة، جامعة الشارقة.

- عکرمة، سعید صبری (۲۰۰۸). *الوقف الإسلامی بین النظریة والتطبیق*. عمان: دار النفائس.

- علامه حلی، حسن‌بن‌یوسف (۱۳۷۸). *تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب الامامیه*. ابراهیم بهتدری. قم: مؤسسه امام صادق(ع).

- غازی، أمانی بنت جعفر (۲۰۱۴). *الملامح التاریخیة للحریم العثمانی*. استامبول: دار کنوز المعرفة.
- غنیمی، عبدالغنی (۱۹۶۱). *اللباب فی شرح الکتاب*. تحقیق: محمد محیی الدین عبدالحمید. مصر: مکتبة محمد صبیح وأولاده.
- فاسی، محمدبن‌أحمد الحسنی (۱۴۰۶ق). *العقد الثمین فی تاریخ البلد الأمین*. تحقیق: محمد حامد الفاسی. بی‌جا.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۵۳). *زندگانی شاه عباس اول*. تهران: دانشگاه تهران.
- فیگوئرآ، دن کارسایدسلوا (۱۳۶۳). *سفرنامهٔ سفیر اسپانیا در دربار شاه عباس اول*. ترجمه: غلامرضا سمیعی. تهران: نشر نو.
- قائدان، اصغر (۱۴۰۴). نقش زنان ایرانی در بازسازی عتبات عالیات در دورهٔ صفوی و قاجار (۱۳۴۳-۹۰۷ هـ.ق). *پژوهشنامهٔ تاریخ تشیع*، ۱(۳)، ۵۷-۹۴. https://www.sh-isihistory.ir/article_233651.html
- قبانی، محمد (۲۰۰۶). *الدولة الأمویة من المیلاد إلی السقوط*. دمشق: دار وحی القلم.
- قحطانی، سعید منصور مرعی، عثمان، السعید محمود السعید (۲۰۲۰). إسهام الوقف فی دعم الحرکة العلمیة فی القرن السابع الهجری. *مجلة کلیة التربیة بالمنصورة*، (۳)، ۳۴۸-۴۱۰. https://maed.journals.ekb.eg/article_157698.html
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کحاله، عمررضا (۱۹۷۷). *أعلام النساء فی عالمی العرب والإسلام*. بیروت: مؤسسة الرسالة.
- مالزاده، کاظم، محمدی، مریم (۱۳۸۱). *مدارس و بناهای مذهبی*. تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- محقق حلی، جعفربن‌حسن (۱۴۳۲ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. شرح عبدالزهرا حسینی. نجف اشرف: ذوی‌القربی.
- مخلوف، ماجدة (۱۹۹۸). *الحریم فی القصر العثمانی*. القاهرة: دار الآفاق العربیة.

- مخلوف، ماجدة (۲۰۰۶). أوقاف نساء السلاطين العثمانيين: وقفية زوجة السلطان سليمان القانونی علی الحرمين الشريفين. القاهرة: دار الآفاق العربية.

- مشکور، محمدجواد (۱۹۷۳). *تاریخ تبریز در پایان قرن نهم هجری*. تهران: بی‌نا.

- مفید، محمدبن‌محمد (بی‌تا). *المقنعه*. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- مناوی، عبدالرؤوف (۱۴۱۸). *تیسیر الوقوف علی غوامض احکام الوقوف*. مکه: انتشارات نزار مصطفی الباز.

- مهریزی، مهدی (۱۳۸۹). درآمدی بر موقوفات زنان. *وقف میراث جاویدان*، (۶۹)، ۲۷-۴۸. https://www.mvmj.ir/article_170734.html

- مهریزی، مهدی (۱۳۹۰). موقوفات خرم سلطان، همسر سلطان قانونی در مکه و مدینه. *وقف میراث جاویدان*، (۷۳)، ۲۰۴-۱۹۷. http://noo.rs/Oh2ak

- نعیمی‌دمشقی، عبدالقادربن‌محمد (بی‌تا). *الدارس فی تاریخ المدارس*. تحقیق ابراهیم شمس‌الدین. بیروت: دار الکتب العلمیه.

- هدایتی، محمدعلی (۱۳۴۴). *آستانهٔ ری: مجموعه اسناد و فرامین*. تهران: شرکت سهامی افست.

- یوکسل، حسن، مقدم، علیرضا (۱۳۹۱). نقش زنان در نظام وقف عثمانی. *وقف میراث جاویدان*، (۷۷ و ۷۸)، ۲۵۷-۲۷۶. https://www.mvmj.ir/article_170517.html

References

- ʿAbd al-Riḍā, Ṣ. B. (2024). Models of famous women in al-Andalus in the field of sciences. *Babel Center Journal of Human Studies*, 14(1), 3139–3168. https://bcchj.uobabylon.edu.iq/index.php/bcchj/ar/article/view/1322 [In Arabic]

- ʿAfāf, ʿA. G. Ḥ. (2010). *Women's contributions to Islamic endowment throughout history*. College of Sharia and Islamic Studies, University of Sharjah. [In Arabic]

- Aḥmadī, N. (2004). The role of women in establishing religious buildings in the Safavid capital. *Shiite Women*, (1)1 19-36. https://hawzah.net/fa/Article/View/86504/ [In Persian]

- Aḥmadī, N. (2018). Reflections on the role of women in the expansion of endowments in the Safavid era. *Waqf and Eternal Heritage Quarterly*, 26(101), 123–139. https://www.magiran.com/paper/1923745/ [In Persian]

- Akbari, M., & Rezaei, F. (2018). An analysis of the characteristics of modern Islamic civilization in the thought of the Supreme Leader. *Faslnameh-ye Elmi-ye Motale'at-e Olgu-ye Pishraft-e Islami Irani*, (5), 85–108. https://www.ipoba.ir/article_16946.html [In Persian]

- ʿAllāma Ḥillī, Ḥ. b. Y. (1999). *The compilation of legal rulings according to the Imami school* (I. Bahtharī, Ed.). Muʾassasat al-Imām al-Ṣādiq (AS). [In Arabic]

- Āqā Muḥammadī, S., Taqvī Sangdehī, S. L., & Muḥammadī, L. (2022). A look at the educational status of slave girls in the first Abbasid era (132–232 AH). *Historical Studies of the Islamic World*, 10(24), 118-134. Doi: 10.22034/mte.2021.10560.1442 [In Persian]

- Arnaout, M. (2014). Women's waqf in the Islamic world: A new approach to women's status in society. Dar Jadawel. [In Arabic]

- Āṣif Fikrat, M. (1990). *Alphabetical catalogue of manuscripts in the Central Library of Astan Quds*. Kitābkhāna-yi Āstān-i Quds-i Raẓavī. [In Persian]

- Bālmīqdām, R. (1993). *Endowments of Meknes during the reign of Moulay Ismail*. Ministry of Endowments and Islamic Affairs of Morocco. [In Arabic]

- Barqūq, K. (2023). The contribution of women's endowments to scientific development. University of El Oued. [In Arabic]

- Bāstānī, S., & Ḥaydarzāda, Z. (2013). Examining women's status in the thought of ʿAllāma Ṭabāṭabāʾī in Tafsīr al-Mīzān: The celestial–earthly woman dichotomy. *Iranian Journal of Social Studies*, 7(3), 3–24. https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.20083653.1392.7.3.1.4 [In Persian]

- Chardin, J. (1974). *Travelogue* (M. Abbasi, Trans.). Amir Kabir. [In Persian]

- Dallh, M. (2023). Accumulate but distribute: Islamic emphasis on the establishment of waqf (pious endowment). Religion and Development, 2(1), 21–40. https://doi.org/10.30965/27507955-20230014

- Dānishpazhūh, M. T. (1976). Catalogue of the library donated by Mr. Seyyed Mohammad Mishkat to the University of Tehran. University of Tehran. [In Persian]

- Dānishpūr, A., & Rīyāḥī Sāmānī, N. (2010). *Why and how to endow* (3rd ed.). Sāzmān-i Chāp va Intishārāt. [In Persian]

- Dughān. (2011). Ottoman endowments and the endowment deed of Valide Sultan Mahpeyker. *Message of baharestan*, 2(13), 782-814. https://lib.isfahan.ir/dl/search/default.aspx?Term=25366&Field=0&DTC=113 [In Persian]

- Encyclopaedia of the Islamic World. (1996). G. A. Haddād ʿĀdil (Ed.). Bunyād-i Dāʾirat al-Maʿārif-i Islāmī. [In Persian]Dardīr, A. b. M. (n.d.). *The nearest paths to the school of Imam Malik*. Maktabat al-Rihāb. [In Arabic]

- Fāsī, M. b. A. al-Ḥ. (1986). *The precious necklace in the history of the secure city* (M. Ḥ. al-Fāsī, Ed.). [In Arabic]

- Fīgūʾirā, D. C. (1984). *Travelogue of the Spanish ambassador at the court of Shah Abbas I* (G. Samīʿī, Trans.). Nashr-i Naw. [In Persian]

- Filsūfī, N. (1974). *The life of Shah Abbas I*. University of Tehran. [In Persian].

- Ghanīmī, ʿA. (1961). *The core in explaining the book* (M. M. ʿA. Ḥamīd, Ed.). Maktabat Muḥammad Ṣubayḥ. [In Arabic]

- Ghāzī, A. b. J. (2014). *Historical features of the Ottoman harem*. Dār Kunūz al-Maʿrifa. [In Arabic]

- Ḥarbī, D. b. M. (1998). *Famous women from Najd*. Dārat al-Malik ʿAbd al-ʿAzīz. [In Arabic]

- Ḥasanī, M., & Bakhtiyārī, M. (2022). Content analysis of women's endowment documents in Qazvin from the early Qajar period to the end of Nasseri era (1210–1313 AH). *Women's Studies Journal*, 13(42), 41–70. doi: 10.30465/ws.2023.43333.3712 [In Persian]

- Ḥaydarīān, Z. (2009). Women endowers in the Safavid era. *Waqf and Eternal Heritage Quarterly*, 66, 48-59. https://www.ensani.ir/fa/article/238750/ [In Persian]

- Hidāyatī, M. ʿA. (1965). *The shrine of Ray: A collection of documents and decrees*. Shirkat-i Sihāmī-yi Afst. [In Persian]

- Ḥijāzī, B. (2002). *Schools and religious buildings*. Ḥawza-yi Hunarī-yi Sāzmān-i Tablīghāt-i Islāmī. [In Persian]

- Ḥumaydān, Ī. (2006). *Women and endowment*. General Secretariat of Awqaf Kuwait. [In Arabic]

- Ḥusayn, ʿA. (n.d.). The role of women's endowments in the scientific renaissance in Muslim society, East and West. Faculty of Islamic Sciences, Department of Sharia. [In Arabic]

- Ibn ʿAbd al-Ḥaqq, ʿA. b. A. (1986). *Gold nuggets in the annals of those who passed away* (M. al-Arnāʾūṭ, Ed.). Dār Ibn Kathīr. [In Arabic]

- Ibn Abī Jumhūr, Ḥ. b. A. (1983). *The precious pearls in religious hadiths* (M. ʿIrāqī, Ed.). Muʾassasa-yi Sayyid al-Shuhadā. [In Arabic]

- Ibn Ḥazm, A. M. ʿA. b. A. (n.d.). *The adorned with traditions* (A. M. Shākir, Ed.). Dār al-Jīl. [In Arabic]

- Ibn Idrīs, M. b. M. (1990). The concealed treasure containing the formulation of legal opinions. Al-Nashr al-Islāmī. [In Arabic]

- Ibn Jubayr, A. Ḥ. M. b. A. (n.d.). *The travelogue of Ibn Jubayr*. Dār al-Hilāl. [In Arabic]

- Ibn Kathīr, A. F. I. b. U. (1999). *The beginning and the end* (3rd ed., Ṣ. M. al-ʿAṭṭār, Ed.). Dār al-Fikr. [In Arabic]

- Ibn Khaldūn. (n.d.). Ibn Khaldūn's introduction; The book of lessons and record of beginnings and news of the Arabs, Persians, Berbers, and their contemporaries. Maktabat Nahḍat Miṣr. [In Arabic]

- Ibn Khūja, M. al-Ḥ. (1996). *A glimpse of endowment in development past and present*. Royal Institute for Research on Islamic Civilization. [In Arabic]

- Ibn Manẓūr, M. b. M. (1994). *The tongue of the Arabs*. Dār Iḥyāʾ al-Turāth al-ʿArabī. [In Arabic]

- Ibn Qudāma. (1983). *The sufficient*. Dār al-Kitāb al-ʿArabī. [In Arabic]

- Ibrahim Hassan, A. (1963). General Islamic history: The Jahiliyya, the Arab state, the Abbasid state. Maktabat al-Nahda al-Misriyya. [In Arabic]

- ʿIkrima, S. Ṣ. (2008). *Islamic endowment between theory and practice*. Dār al-Nafāʾis. [In Arabic]

- İnalcık, H. (2009). *The Ottoman Empire: The classical age* (K. Qerqlu, Trans.). Entesharat-e Basirat. [In Persian]

- Jāḥiẓ, ʿA. b. B. (1987). *The beauties and the opposites*. Dār al-Hilāl. [In Arabic]

- Kafājī, R. A. (2006). Women's endowments: Models of women's participation in civilisational renaissance, a study of the Egyptian case in the first half of the 20th century. *Journal of Endowments*, 2. https://kshaf.awqaf.gov.qa/handle/1234/14050 [In Arabic]

- Kaḥḥāla, ʿU. R. (1977). *Notable women in the Arab and Islamic worlds*. Muʾassasat al-Risāla. [In Arabic]

- Khazrajī Zabīdī, ʿA. b. al-Ḥ. (1983). *The pearly necklaces in the history of the Rasulid state* (M. B. ʿAsal, Ed.). Dār al-Ādāb. [In Arabic]

- Makhloof, M. (1998). *The harem in the Ottoman palace*. Dār al-Āfāq al-ʿArabiyya. [In Arabic]

- Makhloof, M. (2006). Endowments of Ottoman sultanas: The endowment deed of the wife of Sultan Suleiman the Lawgiver for the two holy sanctuaries. Dār al-Āfāq al-ʿArabiyya. [In Arabic]

- Mālikzāda, K., & Muḥammadī, M. (2002). *Schools and religious buildings*. Ḥawza-yi Hunarī-yi Sāzmān-i Tablīghāt-i Islāmī. [In Persian]

- Manāwī, ʿA. (1998). Facilitating access to the intricacies of endowment rulings. Nizār Muṣṭafā al-Bāz. [In Arabic]

- Mashkūr, M. J. (1973). History of Tabriz at the end of the ninth century AH. [In Persian]

- Mehrīzī, M. (2010). An introduction to women's endowments. *Waqf and Eternal Heritage Quarterly*, 69, 27–48. https://www.mvmj.ir/article_170734.html [In Persian]

- Mehrīzī, M. (2011). The endowments of Khurram Sultan, wife of Sultan Suleiman the Lawgiver, in Mecca and Medina. *Waqf and Eternal Heritage Quarterly*, 73, 197-204. http://noo.rs/Oh2ak [In Persian]

- Mufīd, M. b. M. (n.d.). *The convincing*. Jāmiʿa-yi Mudarrisīn-i Ḥawza-yi ʿIlmiyya-yi Qum. [In Arabic]

- Muḥaqqiq Ḥillī, J. b. Ḥ. (2011). *The Islamic laws on permitted and forbidden matters* (ʿA. Ḥusaynī, Ed.). Dhawī al-Qurbā. [In Arabic]

- Naʿīmī Dimashqī, ʿA. b. M. (n.d.). *The student in the history of schools* (I. Shams al-Dīn, Ed.). Dār al-Kutub al-ʿIlmiyya. [In Arabic]

- Qabānī, M. (2006). *The Umayyad state from birth to fall*. Dār Waḥī al-Qalam. [In Arabic]

- Qaḥṭānī, S. M. M., & ʿUthmān, al-S. M. al-S. (2020). The contribution of endowment to the support of the scientific movement in the 7th century AH. *Journal of the Faculty of Education Mansoura*, 3, 348–410. https://maed.journals.ekb.eg/article_157698.html [In Arabic]

- Qāʾidān, A. (2025). The role of Iranian women in rebuilding the holy shrines during the Safavid and Qajar periods (907–1343 AH). *Journal of Shiite History*, 1(3), 57–94. https://www.sh-isihistory.ir/article_233651.html [In Persian]

- Qarāʾitī, M. (2009). *The exegesis of light*. Markaz-i Farhangī-yi Dars-hā-yī az Qurʾān. [In Persian]

- Rafīʿī Mihrābādī, A. (1973). *National monuments of Isfahan*. Anjuman-i Āthār-i Millī. [In Persian]

- Rahmany, F. A. (2025). Book review: Women Founders of Waqf (Vakıf Kuran Kadınlar). *International Journal of Waqf*. 5(1).

- Ridīnī, R. S. S. (2023). Endowments of Muslim women in Egypt during the Mamluk sultans (648–923 AH / 1250–1517 AD): A historical study. *Annals of the Faculty of Arts, Ain Shams University*, 51 (B), 359–378. https://search.emarefa.net/detail/BIM-1517387 [In Arabic]

- Ṣabrī, ʿIkrima Saʿīd. (1997). *Islamic endowment between theory and practice*. Dār al-Nafāʾis. [In Arabic]

- Ṣadāḥ, A. b. ʿA. (2005). Ottoman endowments in Mecca and the role of women: The endowment deed of Gülnüş Valide Sultan. *Message of the Orient*, 373–436. https://kshaf.awqaf.gov.qa/handle/1234/11942 [In Arabic]

- Saʿdallāh, A. (1998). *The cultural history of Algeria*. Dār al-Gharb al-Islāmī. [In Arabic]

- Ṣadrāʾī Khūyī, ʿA. (2008). Women's share in endowing manuscript copies of Persian translations of the Holy Quran. *Waqf and Eternal Heritage Quarterly*, 64, 8–12. http://noo.rs/6hdqa [In Persian]

- Sharbīnī Khaṭīb, Sh. al-D. M. (1985). The sufficient for those in need of understanding the meanings of the words of the Minhaj. Maktabat Muṣṭafā al-Bābī al-Ḥalabī. [In Arabic]

- Shaw, S. J. (1991). *History of the Ottoman Empire and modern Turkey* (M. Dahqānzāda, Trans.). Āstān-i Quds-i Raẓavī. [In Persian]

- Shuʿaybī, ʿA. (2011). Endowments of scientific centers in the Seljuk era: Their role in the Islamic scientific renaissance. [In Arabic]

- Shūndī, K., Kāmrānīfar, A., & Bārānī, M. (2020). The role and status of court women in the Ottoman Empire's endowment system from Suleiman the Lawgiver to Abdulhamid II. *History Research Journal*, 15(60), 161–187. https://sanad.iau.ir/fa/Article/942158 [In Persian]

- Sipanta, ʿA. (1967). A brief history of endowments in Isfahan. [In Persian]

- Suyūṭī, J. ʿA. b. A. (1986). *History of the caliphs* (Q. al-Rifāʿī, Ed.). Dār al-Qalam. [In Arabic]

- Ṭabarsī, A. A. F. b. Ḥ. (1981). *The gathering of elucidation*. Intishārāt-i Farāhānī. [In Arabic]

- Tasbīḥī, M. (1970). The school of Maryam Beygum Safavi. *Vahid* ,77, 531-538. http://noo.rs/DFktk [In Persian]

- Tāzī, ʿA.(1972). *The Qarawiyyin: Mosque and university*. Dār al-Kitāb al-Lubnānī. [In Arabic]

- Tirmidhī, M. b. ʿĪ. (1975). *The traditions of Tirmidhi* (A. M. Shākir, Ed.). Sharikat Maktabat wa Maṭbaʿat Muṣṭafā al-Bābī al-Ḥalabī. [In Arabic]

- Yüksel, H., & Muqaddam, A. (2012). The role of women in the Ottoman endowment system. *Waqf and Eternal Heritage Quarterly*, 77–78, 257–276. https://www.mvmj.ir/article_170517.html [In Persian]

- Zarrīnbāf-i Shahr, F. (2005). Economic activities of Safavid women in the shrine city of Ardabil (M. Marvār, Trans.). *Journal of History Researchers*, (3), 80-102. http://noo.rs/kNddc [In Persian]